

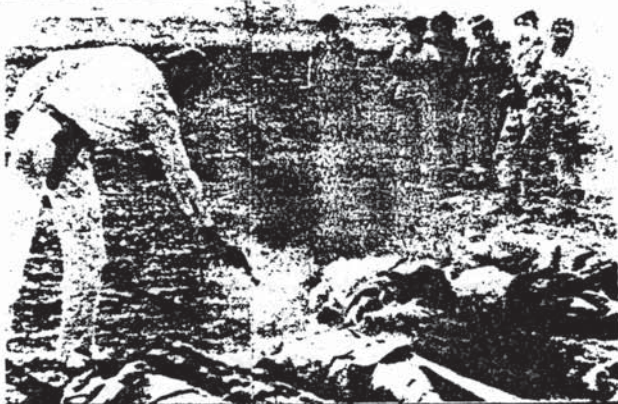
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

دوشنبه ۹ مهر ماه ۱۳۵۸ بها: ۲۰ ریال

پیکار را بخوانید، در تکثیر و پخش آن بکوشید

آقای بازرگان
پس چرا این بار لبخند رضایت؟! در صفحه ۶
در هفته‌ای که گذشت
اخبار تهران و حومه در صفحه ۹
اخبار شهرستانها در صفحه ۱۱



در صفحه ۳

اخباری از کردستان

خلق کرد می رزمند

"ولایت فقیه" گشادترین کلاهی که بسر مردم ایران می‌رود! (۲)

در صفحه ۲

جنبش گاوگری

- مبارزه کارگران شرکت تکنوکار
- خبری از کارخانه صنعتی مهر
- گزارشی از کارخانه
- گروه صنعتی پارس (مینو)
- اعتصاب در
- کشت و صنعت کارون

در صفحه آخر

گوشه‌ای از: مبارزات دهقانی در مازندران

- روستائیان برای احقاق حق خود بر علیه زمینداران مبارزه میکنند
- ژاندارمری و کمیته‌ها بنفع زمینداران و بر علیه روستائیان زحمتکش وارد عمل می‌شوند.

در صفحه ۷

خلق‌های ایران و منطقه نسبت به حرکت‌های امپریالیسم آمریکا و عمالش در خلیج فارس، هشیارند!

- فرماندهان جنایتکار ارتش شاه که خلق عمان را قتل عام کردند،
بر سرکار باقی هستند.

در صفحه ۸

مظلومیت بخش خصوصی!!

بازرگان این خدمتگذار صدیق سرمایه داران با اظهاراتی که در پیام رادیو تلویزیونی خود در تاریخ اول مهر ماه سمل آورده، یکبار دیگر ما هیت واقعی خود را برای شده‌ها به نمایش گذارد. و با ردیگر نشان داد که نماینده سینه-چاک منافع سرمایه داران و دشمن سرسخت کارگران و روستاها و زحمتکش است.

بقیه در صفحه ۶

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران

"ولایت فقیه" گشادترین کلاهی که بسر مردم ایران می‌رود! (۲)

در شماره قبل روی این نکات تاکید کردیم که روحانیون مشروعه طلب بهر وسیله منجمله با سوء استفاده از احساسات مذهبی مردم می‌کوشند حاکمیت "بادآورده" خویش را، بصورت حاکمیتی بی چون و چرا بر سرنوش مردم جاودانه کنند، و افزودیم که اصل ولایت فقیه با حاکمیت خلق و ابتدایی ترین آزادیهای فردی و اجتماعی تضاد آشکار دارد و بالاخره با استناد به سخنان مراجع تقلید و بالاضافه آیت الله خمینی گفتیم که "اصل ولایت فقیه" کاملاً اسلامی است و اینک اسلام همین است و لاغیر.

در بسط و ادامه مطلب پیشین به مسائل زیر می پردازیم:

الف) چرا اجرای اصل "ولایت فقیه" کشور را به دوران ملوک الطوائفی و به "بلیشوی" که میتوان آنرا به حاکمیت قانون جنگل تعبیر کرد می‌گشاند؟

قبل از هر چیز ببینیم که نقطه نظر طراحان و مدافعین این اصل در مورد "فقیه" و رابطه آن با توده ها چیست؟ آیت الله خمینی بپیش خود را در این باره در کتاب حکومت اسلامی صفحه ۵۶ چنین بیان میدارد:

"ولایت فقیه از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتی جز جعل ندارد ما ننند جعل (قرار دادن و تعیین) قیم برای صفای ملت یا قسم صفای از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد." (تاکید از ماست)

در این روایت چوپایان و گله ای "آپا" معقول است که "قیم" (فقیه) برای ملت (که در حد صفای و محجورین محسوب شده است) حق رای و آزادی تعیین سرنوشت خود قائل شود؟ و آپا تمام حرفهای که پیش از انقلاب بعنوان "هندوانه زیر بغل" مردم گذارده می شد که شما چنین و چنانیدو در حکومت اسلامی آزادیهای فلان و بهمان وجود دارد، بی پایه نبوده است؟ حالا بگذریم از اینکه مترادف داشتن ملت بزرگ ما با "صفای" و محجورین، چه توهین نفرت انگیزی به میلیونها توده زحمتکش است که با مبارزات قهرمانانه شان شورانگیزترین حماسه های مبارزات طبقاتی را آفریدند.

تازه مشکل اینجاست که کار "ملت" به یک "قیم" ختم نمیشود که بقول مرسوم بگوئیم "مرگ یکبار، شیون یکبار"؛ بلکه فاجعه از اینجا آغاز میشود که حتی اگر قانون اساسی هم تصویب شود و دکتر، فقیه، معلم و رسمی هم داشته باشیم بر اساس همین "ولایت فقیه"، آن فقیه اعلم و رسمی و حاکم نمی تواند جلوی فقیه دیگر را که نظری مخالف او دارد بگیرد و آن فقیه می تواند بر اساس تشخیص خود "حد اسلام" را اجرا کند و مخالفت هیچ فقهی نمیتواند مانع اجرای کار او شود.

به سخنان آیت الله خمینی در صفحه ۵۷ کتاب حکومت اسلامی توجه کنید:

"همین ولایتی که برای رسول اکرم (ص)

و امام در تشکیل حکومت و اجرای تمدنی اداره هست برای فقیه هم هست. لکن فقیه، "ولسی مطلق" باین معنی نیستند که بر همه فقهایی زمان خود ولایت داشته باشند و بتوانند فقیه دیگری را عزل و نصب نمایند. در این معنی مراتب و درجات نیست که یکی در مرتبه بالاتر و دیگری در مرتبه پایین تر باشد، یکی والی دیگری والی تر باشد."

"پس از ثبوت این مطلب، لازم است که فقیه اجتماعاً یا انفراداً برای اجرای حدود (یعنی مجازات گناهکاران مثلاً شلاق زدن و دست بردن و...) و حفظ شرف و نظام، حکومت شرعی تشکیل دهند. این امر اگر برای کسی امکان داشته باشد واجب عینی است (یعنی بر

او واجب است که خود اقدام کند) و گرنه واجب کفائی است (یعنی اگر دیگران اجرا کردند از عهده او ساقط است) در صورتی هم که ممکن نباشد ولایت ساقط نمیشود زیرا از جانب خدا منصوبند." (تاکید و پراختنهای از ماست)

بر این اساس هر یک از فقهائ بر اساس تشخیص خودشان، حتی اگر مخالف حکم مرکز (فقیه اعلم) هم باشند، می توانند (و باید)، چون وظیفه شرعی شان هست) اجرای حدود کنند. برای مثال هر محتدی که به اعتبار گذاردن یک دوره کامل از دروسای معمول در "حوزه های علمیه دینی" به اخذ درجه احتیاد نائل می شودو شرایطی نظیر عدالت و تقوا و "مدیر و مدیر شجاع" بودن (بنا به تمعیر تصویب شده مجلس "خبرگان") هم در او باشد، که البته احراز این صفات کلی و مبهم و بی درو پیگر از عهده هر آدم زیرکی ساخته است - خود یک فقیه می باشد و هیچکس را جرات آن نخواهد بود که باو بگوید "بالای چشمت ایروست"؛ یک مثال قضیه را روشن تر می کند:

در مصاحبه روزنامه جنبش شماره ۴۰ ششم خرداد ۵۸ با آیت الله طالقانی، چنین آمده است:

"س: در باره رای غیابی شاه و خانوا - ده اش بوسیله آیت الله خلیلی که آقای دکتر یزدی تکذیب کرده اند نظر شما چیست؟

ج: حتی اگر آقای خلیلی دلیلی دادگاه انقلاب نشان مثل هر محتدی دیگری بحکم احتیاد میتواند آنها را بادیگری را که از جنابانش آگاه باشد مهدور الدم (محکوم بمرگ) اعلام کند حکم قتلش را صادر کند."

صرف نظر از آن رای غیابی که صحتش را هزاران شهید تأیید کرده اند. رنجازی به حکم غیابی این با آن نیست، بحث ما در "صلاحیت" هر محتدی برای مهدور الدم اعلام کردن افرادی است که از نظر ما مجرم تشخیص داده شوند.

اگر هر یک از "رساله های عملیه"

متعلق به مراجع تقلید را ورق بزنیم در هر صفحه و بلکه در هر چند سطر به احکام متناقضی که غالباً همراه با قیدهای "علی - الاحوط" یا "احتیاط براینست که" آمده است، بر میخوریم، آنهم در مسائلی نظیر شکایات نماز یا غسل "من میت" و... چه برسد به مسائل بسیار مهم و پیچیده ای که حضرات امروزه میخواهند در باره آنها نظر بدهند؛ در مورد مسائلی نظیر ربا و بهره بانکی. یکی ربا را حرام میدانند و میخواهد بانکها را با مطلق اسلامی کند (گویا بانک هم اسلامی می شود!) و دیگری چند هزار تومان نزول را با یک کله قند "حلال" میفرماید.

مثالی دیگر:

نگاه کنید به احکام اعدام با خلاق و... که درباره جراثمی نظیر همکاری با ساواک آتش کشیدن روی مردم، اختلاس اموال عمومی فریب مردم بمتنغ رژیم شاه خاش و... جراثمی نظیر زنا و لواط و... که در مقابل جرم واحد در هر شهرستان مجازاتهایی به مرحله اجرا در آمده است. که گاه زمین شا آسمان با یکدیگر اختلاف دارند. این تناقض در آراء احکام شرع، که همگی "فقیه" هم هستند و البته "ولایت" یعنی حاکمیتی بی چون و چرا هم دارند، بنحوی بسیار خفیف، مورد اعتراضی صدر هم در مجلس "خبرگان" (هنگام بحث اصل ولایت فقیه) قرار گرفت. در چند ماهه اخیر عملکرد "ولایت فقیه" و احکام شرع "آنهم تنها در برخی زمینه ها بخوبی عمق عقب مانده خود را نمایان گذاشته است.

احکام ظالمانه اعدام که در مورد تعداد پر شماری از افراد، بجرم زنا و مفاد اخلاقی دیگر، به مرحله اجرا در آمده است (رجوع شود به روزنامه ها که هر روز لیست میدهند)، احکامی که نشان می دهد چگونه بجای علت به جنگ معلول رفته اند، بجای ساختن زیربنای سالم، میخواهند رویترا اصلاح کنند (آنهم رویتراشی که تنها خوشایند خودشان است). آری این نظریه ها در همین چند ماه اخیر فجایمی بار آورده که انجام آن تنها در قرون وسطی ممکن بود. این اعمال و جنایات آنچنان کهنه و ارتجاعی است که حتی اعتراض برخی از خود روحانیون (البته روحانیون جوان و غیر فقیه!) را نیز برانگیخته است:

آقای سید احمد خمینی در گفتگو با روزنامه بامداد (اول مهر) میگوید:

"بعضی وقتها آدم کج میشود. در روز - نامه میخوانم فلان زن را بمناسبت اینکه فلان کار را کرده اعدام کردند. ممکن است که آن زن شریفترین زنهای باشد، اما بچه اش نان ندارد، ممکن است آن زن از افرادی باشد که فقط و فقط برای اینکه... زندگی خودش را همین مقدار بخور و نمیر، به صورت تحملاتی، که اگر بصورت تحملاتی باشد حقش است، بلکه در حد همان بخور و نمیر اداره کند، دست بیک سری کارها بزند. چرا نزنند، کدام زنی است که زندگیش را شما اداره کرده باشید... مگر دیوانه است که برود بدکاره شود. این زن بقیه در صفحه ۱۱

اخباری از کردستان

■ مه‌باد

تظاهرات خلقی

عصر چهارشنبه ۵۸/۶/۱۴ مردم جلوی فرمانداری مه‌باد جمع شده بودند و یک خبرنگار خارجی نیز مشغول مباحثه با آنها بود که پاسداران سر میرسد و خبرنگار را دستگیر و می‌خواهند با خود به پادگان ببرند. مردم با اعتراض شدید خبرنگار را از دست پاسداران آزاد می‌کنند و به تظاهرات می‌پردازند. ابتدا تعداد آنها نزدیک ۴۰۰ نفر بود، اما طولی نکشید که جمعیت به حدود ۴۰۰۰ نفر رسید و بطرف پادگان راه افتادند. هنوز به پادگان نرسیده بودند که تانکها بطرف آنها حرکت کرده و پاسداران شلیک هوایی می‌کنند. مردم به تانکها نزدیک شده و عکس‌های عزالدین را به آنها می‌چسبانند. برخی از شعارهای تظاهرات کنندگان عبارت بود از:

" رهبر راسته قینه - ملائیک عزالدینه "

" شیخ عزالدین رهبره ، بوکوردوستان سروو "

" تا خون در رگ ماست ، حینی رهبر ماست "

درود بر حشینی.

تظاهرات بعد از ۲ ساعت ادامه داشت .

عقب نشینی پاسداران

صبح زود روز شنبه ۵۸/۶/۱۷ پاسداران بر درو دیوار شهر شمارهای با مضمون مرگ بر شیخ عزالدین کمونیت - مرگ بر عزالدین - فاسد و ... می‌نویسند. حدود ساعت ۱۰/۵ مردم جلوی شهرداری که شمارهای بالا با خط درشت آنجا هم نوشته شده بود اجتماع می‌کنند و خواستار پاک کردن شمارها میشوند. در این موقع یک ماشین پر از پاسدار به محل می‌آید. سربسته پاسداران از مردم عذر - خواهی می‌کند و می‌گوید ما این شمارها را ننوشتیم ولی آنها را پاک می‌کنیم . مردم خودشان شمارها را پاک می‌کنند و چند شمار هم بشفع عزالدین می‌دهند، تا اینکه ماشین دیگری که سلسل کالبر ۵۰ روی آن نصب شده بود و تعدادی پاسدار سرنشین آن بودند سر می‌رسد، و گلوله ای هوایی شلیک می‌کند. مردم آنها را هومی کنند. در این هنگام یک افسر شهربانی ماشین پاسداران را از محل دور می‌کند و مردم متفرق میشوند.

شکنجه بشیوه ساواک

روز یکشنبه ۵۸/۶/۱۸ حدود ساعت ۲ بعد از ظهر پاسداران با ماشین به چهارراه آزادی می‌آیند و عکس‌های عزالدین را از دیوار کنده و بجای آن عکس آیت‌الله خمینی

را نصب میکنند. در اینموقع یکی از جوانان شهر عکس را می‌کند و پس از مجامه کردن جلوی پاسداران می‌اندازد. پاسداران بهت زده از ماشین پیاده شده و گلنگدن تفنگ - هایشان را می‌کنند، در این لحظه جوان کرد دیگری نارنجکی را از جیب خود درمیاورد و سریع بطرف پاسداران میرود. پاسداران فرار می‌کنند و بعد از حدود ۱۰ دقیقه دیگر با چندین ماشین پاسدار دیگر بر می‌گردند . اما مردم چهار راه آزادی را ترک کرده - بودند. آنها شب هنگام و به تلاقی عمل بعد از ظهر مردم ، عده ای از جوانان شهر را (حدود ۱۳ نفر) که سر این چهار راه نشسته بودند ، دستگیر می‌کنند و مسور د شدیدترین شکنجه ها قرار می‌دهند (نمونه این شکنجه ها کتک زدن شدید، در ساعات ۲ و ۳ بعد از نیمه شب بردن آنان به میدان شیر و تهدید به اینکه اکنون شما را اعدام می‌کنیم ، اشدتات را بخوانید و بعد با رگبار هوایی ترسانده ، کشیدن آلت - تناسلی آنها بطرز فجیع و) جوانان دستگیر شده را پس از دو روز با سروسیل ترانژید آزاد کردند .

تظاهرات فرمایشی !

عصر شنبه (۵۸/۶/۱۷) حدود ۲۰۰ پاسدار در مه‌باد به تظاهرات پرداختند . شعار آنها عبارت بود از : " بفرمان خمینی ، کرد برادر ماست - بدستور الله ، به امر روح الله ، کرد برادر ماست . " در حین تظاهرات یکی از پاسداران از داخل ماشینی سخنرانی میکرد و می‌گفت : " ما پاسداران دشمن شما نیستیم ، ما برای یازندگی به اینجا آمده‌ایم . " مردم بهیچوجه در این تظاهرات شرکت نکردند و می‌گفتند : " ما خودمان اینجا نشسته ایم ، اینجا می‌آیند برایمان تظاهرات می‌کنند ! " تظاهرات بوسیله پاسداران مسلح و ماشینی که روی آن سلسل کالبر ۵۰ کار گذاشته شده بود ، محافظت میشد .

علیه قتل عام "قارنه"

روز دوشنبه ۵۸/۶/۲۶ تظاهراتی بمنظور پشتیبانی از شیخ عزالدین حسینی و محکوم - نمودن قتل عام روستای " قارنه " در مه‌باد برگزار شد . جمعیت تظاهر کنند ه ۲۰۰۰ نفر بودند و تظاهرات نیم ساعت ادامه داشت .

در این روز ارتشبان و پاسداران از برگزاری تظاهرات جلوگیری نکردند . شمار - های تظاهر کنندگان عبارت بود از :

" رهبری راسته قینه ملائیک عزالدینه "

(رهبر حقیقی ما - شیخ عزالدین است) ، " نبزی هیزی پیش مرگه - دوزمن نسبست مرگه " (زنده باد قدرت پیش مرگه - دشمن نصیب تو مرگه) ، هیزی که ل هیزی خه بات ورا به رین - بوته وهی میلیله ت به سهر به رزی به رین " (قدرت خلق قدرت انقلاب است - برای اینکه ملت با سرفرازی زندگی کند) ، کوردوستان ، کوردوستان ، گوردستانی فاشیستان " (کردستان ، کردستان - گور - ستان فاشیستها) ، " به هیز میثک و بازو - غلاسیان دبه زو " (به قدرت اندیشه و بازویمان بزودی آزاد خواهیم شد) .

این تظاهرات با شعار : یکیتی ، شه - کوئان ، سه رگوئن (اتحاد - مبارزه - پیروزی) به پایان رسید. پس از متفرق شدن مردم ، چند ماشین پاسدار به چهارراه آزادی آمد ه و اعلامیه هایی را که به دیوار چسبانده شده بود کردند !

خودداری از ثبت نام

دانش آموزان مه‌باد در اول سال تحصیلی اسامی ثبت نام نکرده اند. و در عوض تظاهراتی با شرکت هزاران تن در این روز برگزار شده است. در جریان این تظاهرات پاسداران بسوی مردم آتش گشوده اند که بقرار اطلاع ۶ نفر کشته و عده ای نیز زخمی گردیده اند.

حدود ساعت ۱۰ شب دوشنبه ۵۸/۶/۱۹ چند تن از پیشمرگان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان به ستاد پاسداران در مه‌باد (محل سابق ستاد چریکهای فدائی) حمله می‌کنند ، در این حمله دو پاسدار کشته و سه نفر از تشکی زخمی می‌شوند.

روز یکشنبه یک افسر شهربانی، هنگامی که می‌خواست اعلامیه ای را ازدیوار بکند بوسیله مردم تشبیه گردید .

- حدود ۵۸/۶/۲۸ یک ساواکی معروف که در کمیته فعالیت میکرد بوسیله یکی از پیشمرگان که بطور مخفیانه بشهر نفوذ کرده بود، ترور میشود. مردم از این واقعه بسیار خوشحالند.

■ پیرانشهر

روز دوشنبه ۵۸/۶/۱۹ ارتش هم - راه تعدادی پاسدار از پیرانشهر بطرف سردشت حرکت می‌کند، در ۲۵ کیلومتری پیرانشهر و در فاصله روستاهای شیوه مره و حذرآباد پیشمرگان کرد به آنها حمله کرده و تعداد



برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

رهنمودهایی به رزمندگان خلق کرد در شهرها

نخواهد داد. " اعلامیه در پایان رهنمود -
هاش به مبارزین بدین شرح داده است :

۱- نوشتن شعار بر روی دیوارها، مضمون شعارها در رابطه با وابستگی به امپریالیسم و مسئله ملی و هجوم فاشیستی به کردستان و شعارهای تشهیدی برای تقویت روحیه میباید.

۲- نوشتن اسامی جاشا و عمال خودفروخته روی دیوارها و اسکناسها و تهدید آنها به ترور.

۳- برای انداختن حرکتهای انقلابی (تظاهرات و تجمعات و اعتصاب) ۴- برقرار ساختن ارتباطات قطع شده با گروهها و سازمانهای انقلابی از کانال تشکیلاتی ۵- تحریم گرفتن روغن و برنج و غیره افشاکردن حیللهای رژیم ۶- ایجاد هسته های قابل اطمینان برای کارمطالعه و بررسی اوضاع شهر و منطقه ۷- پرهیز از هرگونه محافظه کاری (کسانیکه امکان کار علنی در شهر دارند باید در شهر باشند) ۸- تشویق مردم در خودداری از سوزاندن کتاب و تحویل دادن اسلحه.

۹- تکتشیر اعلامیه و تراکت بوسیله چاپ دستی و با رعایت مسائل امنیتی ۱۰- نوشتن اخبار صحیح از اعمال انقلابی مردم و نیروهای انقلابی بر روی کاغذ و نصب آن در مکانهای عمومی.

اعلامیه با چند شعار با آن می پذیرد. همچنین اعلامیه دیگری از هواداران سازمان درستقر بدست ماریسده که شیوه "گشتار و تحبیب رژیم راحت عنوان "بایکدست گلوله بایکدست روغن" افشا کرده است.

اعلامیه ای تحت عنوان رزمندگان انقلابی از طرف هواداران سازمان ما در سقزانتشار یافته که در بختی از آن چنین آمده است :

"... بدون شک کردستان بگزار عقب مانده ترین مناطق و خلق کرد یکی از تحت ستم ترین خلقهای ایران است که همواره تحت ستم دوگانه ملی و طبقاتی به بدترین شکل خود بوده است و این خود انگیزه حرکتهای اصیل انقلابی و جنبشهای حق طلبانه در میان خلق کرد است و هیئت حاکمه ضد خلقی با توجه به ناتوانی خود و در پاسخگویی به خواسته های برحق، آنرا به خاک و خون می کشد. تشکیل جمعیتها، اتحادیه ها و تشکلهای توده ای محصول حرکتهای فوق الذکر بود و میرفت تا شکل واقعی بخود بگیرد، ولی یورش فاشیستی و مغول آما که باد فاشیستهای ایتالیائی و آلمانی را زنده می کند این ارگانه های حاکمیت خلق را بر هم زد و رکودی در ادامه آن بهار آورد ولی خلق همچنان می رزمند و برای حق تعیین سرنوشت خویش همواره در میدان مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی مبارزه خواهد کرد و به سربد خویش ادامه خواهد داد و شهدای دیگری قربانی آرمان بر حق خلق و راه زحمتکشان خواهد کرد و در ادامه راه خویش تزلزلی بدل راه

زیادی از ارشیان راکشته و دو تانک را منهدم می کنند (تعداد پیشمرگان ۵۰ نفر بوده است) پس از این حمله ارتش بتلانی دهات شیوه سره، سیکان، گولفته الوانان و کوه منکر با هلیکوپتر و فانتوم مورد هجوم قرار میدهد. در این تهاجم بیشتر محصول روستاها آتش میگیرد. پس از یورش ارتش عقب نشینی می کند و در روستای هنگ آباد مستقر می شود. ارتش به اهالی روستاهای مناطق جنگلی هتدار داده است که روستاهاشان را تخلیه کرده و بجای دیگر بروند، زیرا برای "پاکسازی" منطقه از پیشمرگان تصمیم دارند این دهات را بمباران کنند.

سردشت

روز ۱۸ شهریور، رحمت علی پور که دارای مدرک تحصیلی ششم ابتدائی است از طرف خلغالی به سمت فرمانداری سردشت منصوب شد. علی پور از نورچشمی های آقای ربانی و از طرفداران مفتی زاده میباشد.

بوکان

ساعت ۸ شب ۵۸/۶/۳۱ دوا انقلابی در بوکان شیر باران شدند. یکی از آنها پسر بچه ۱۲ ساله ای بود که اشیا مثل حمل یک نارنجک دستی بوده است. عوامل رژیم فاشیست حاکم این دومباراز را همراه بکنفر قاجچی شیرباران کردند تا بدین ترتیب و به خیال خام خود خسون این شهدا را لوٹ کنند!

سنندج

در سنندج شبها خانه گردی می شود، اما در مهاباد پاسداران در شبجرات نمیکنند بیرون می آیند و در یادگان می مانند.

مریوان

سروان فردوس پور قاسمی نجف آبادی که مدت دو سال رئیس ساواک نجف آباد بود و یکسال هم رئیس گارد دانشگاه اصفهان، طبق خبر روزنامه انقلاب اسلامی (۵۸/۶/۱۵) اکنون رئیس شهربانی مریوان است.

این شخص بدنبال حمله مردم نجف آباد

به خانه اش، بعد از قیام فراری شد و پس از مدتی پلیس راهنشانی و رانندگی شهرگرد از آبدر آمد. اکنون که دولت بازرگان از سوابق "درخان" وی با خبر شده است با یورش از کم جوشی که تا کنون نسبت به وی روا داشته، او را برسات شهربانی مریوان منصوب کرده است!



ارتجاع حاکم با اعدام عناصروا بسته به رژیم سابق همراه انقلابیون خلقهای ما بخپال خودمی خواهد مبارزات خلقهای ما را لوٹ کند و سرخسایات خودسروش نهد، اما او با این اعمال بیشتر افشا میشود و کینه و ریش نسبت به خواست نوده های تحت ستم آشکارتر میگردد.



امروز نیز ارتجاع حاکم نموری کند با ادامه راه شاهنا پنگارخواهد توانست خلق کرد را تسلیم نماید! اما پیکار دلاورانه و پیگیر خلق کرد در گوه و دشت، در شهر و روستاهای منطقه شان میدهد که فردا چه خواهد شد!

دیروز رژیم شاه خاش سینه بسیاری از فرزندان خلق کرد را نکافت تا اینکه آنان را از ادامه مبارزه عا دلاسه خویش بازدارد، اما خلق کرد در راه رسیدن به اهداف خویش همچنان به پیش رفت!



شرمات سلک به فحیح ترین و غیر انسانی ترین شکل، بدون تکیه بر ستونی و هر نوع فقط بوسیله یک تیرانداز تا که زود خلاص نشود بلکه زجر کش گردد .

و از همه بدتر و غیر اصولی تر و غیر انسانی تر انتخاب جوخه اعدام میارزین خلق کرد همراه سرسیردگان رژیم فلی است تا نگذارند حتی خون پاک این دلاوران ، تنها و خالص سر روی زمین جاری گردد .

اما ! اما در همان هنگامه شیرباران اعدایان، مدای غرض مسلسلها و غیر ترک تیراندازهای انقلابیون کرد که هم اکنون در کوه و صحرا پراکنده شده اند گمش مر رسد .

سینه های گرم انقلابیون کرد ، هدف گلوله های مجرمان "عدل" اسلامی قرار می گیرد ! آری سینه های مالا مال از عشق به توده ها و انقلاب ، سینه های منتظر پرواز در فضای آزادی ... آماج سربهای گداخته فاشیستهای کله پوک قرار میگیرد . چرا ؟!

چون محکوم هستند به مبارزه در راه آزادی و حق خود - مختاری ،

چون محکوم هستند به عشق به توده ها و خلق کرد ،

چون محکوم هستند به ...

و اینک با بداهت ادا میشوند ، و نه حتی به روش دیکتاتورهای حقوق



مظلومیت بخش خصوصی!! استدلال آقای بازگان در مقابل زحمتکشان قرارداد

آقای بازگان پس چرا اینبار لبخند رضایت؟!!

هربار که شنی چنداز سرسپردگان رژیم سابق، عاملان قتل و کشتار مردم، غارتگر-ان و وابستگان امپریالیسم به جوخه اعدام سپرده شدند فغان بازگان بهوا برخاست، او نه در فکر منافع بوده ها، بلکه نگران خشم و غضب امپریالیستها و انحصارات جهانی غارتگر بودند! مبادا بدولت و تنگ بگیرند و حمایتشان را از او دریغ کنند. او ادعا میکرد که با این کارها آمپروی "انقلابی" و کشور را در دنیا به بادی میدهد. باید رحم و عطف را جایگزین انتقام جویی و غضب نمود او در آخرین پیام رادیو و تلویزیونی خود نیز در اول مهر ماه سخنان همیشه گی خود را تکرار کرد و گفت: "وقتی هدف و برنامه، ادامه برنامه تخریبی و منفی انقلاب باشد اینها یک جور فکر می کنند و یک جور می-خواهند و یک نحو عمل را می پسندند. مخصوصاً وقتی که حالت انتقام داشته باشد یعنی انقلاب تبدیل شود به حالت انتقام... آری این موضع بازگان از طبع رقیب و سرشت مصلحت جوی او سرچشمه میگردد؟ ابداً! حوادث کردستان و سرکوب بیرحمانه خلق کرد بروشنی ماهیت واقعی نخست وزیر دولت موقت سرما به داران را به توده ها نشان داد. او که برای خائنین به خلق، برای قاتلان و دزدخیمان اشک می ریخت نه تنها در مقام نخست وزیر دولت موقت مسئولیت بهاران و کشتار خلق کرد را به عهده گرفت و "نجات و شهادت" چمران آدم کش و فاشیست را ستود بلکه در مقابل اعدای بیرحمانه عناصر مبارز و انقلابی کرد توسط بیدارگای خفا جی جلا که حتی نحوه اجرای آن نیز با هیچکاز موازین حقوقی (۱) رسمی بورژوازی مطابقت ندارد، مهر سکوت بر لب زد و نه تنها سکوت کرد بلکه لبخند رضایت بر لب آورد. آری، آنجا که پای منافع طبقاتی در میان است، آنجا که پای سرکوب خلقها و نیروها و سازمانهای انقلابی در میان است، ارتجاع اخلاقیات درونی خویش را فراموش کرده و یکمدا و یک زبان می شود. بورژوازی لیبرال از توده-بقیه در صفحه ۱۱

(۱)- اعدام اسیران جنگی، حمل محکوم به اعدام بیمار با برانکا به محل اعدام، بستن انقلابیون به بنجره، بیمارستان از ناحیه گردن اعدام دسته جمعی دربایان بدون بستن به چوبه اعدام، سپردن انقلابیون به خانها برای انتقام کشی و شکنجه تاحد درآوردن چشم قبل از اعدام، بگلوله بستن از ناحیه پا برای شکنجه، اعدام چند نفر توسط دوفتر درحالیکه در عرف بین المللی برای اعدام سریع محکوم حداقل سه نفر برای هرنفر، با مشخص کردن ناحیه قلب می باشد.

اصلی آن نصیب سرما به داران غارتگر و مفتخور (و از جمله بقول بازگان بخش خصوصی) میگردد آنها به این مرتجع کهنه کار می گویند که اساس آزادی و مقام و دست در برابر استیلای غارتگری طبقات زحمتکش جامعه، کارگران و دهقانان و نیز روشنفکران انقلابی بودند. همواره زحمتکشان و روشنفکران وابسته به آنها بوده اند که با تمام نیرو و توان انقلابی خود سرخاسته به جنگ نیروهای استبداد و امپریالیسم برخاسته و قهر و زور انقلابی را با قهر انقلابی درهم کوبیده اند. در حالی که سرما به داران بزرگ بهزد و بند با مستبدین و امپریالیستها مشغول بوده اند تا جنبش توده ها را وجه المصلحت کب قدرت قرار داده و سرکوب کرده، آنان را سرافرازند. جنبش مشروطیت، جنبش جنگل، نهفت ملی شدن نفت و انقلاب اخیر همه گواه این امر است. باید از نخست وزیر دولت موقت پرسید که در طول یکسال جنگ و گریز خیابانی انقلاب اخیر بین خلق دلاور و نیروهای پلیس و ارتش و دستگاه جهنمی ساوا که در کوکوی و برزن، در صحنه های قیام شکوهمند توده ها در ۲۲ و ۲۳ بهمن کدام سرما به-دار و تاجر بزرگ و کدام یک از احمقان بخش خصوصی در سنگر و در پیکار با دشمن خلق دیده شد (و این انتظار هم منصفانه) آنان فقط خود را برای میوه چینی از انقلاب آماده میکردند و اینک می بینیم که چگونه سرما به دارانی که تا دیروز به بیرحمانه ترین نحوی به استعمار کارگران "بخش خصوصی" خود مشغول بودند، در رأس دستگاهها و ادارات دولتی و مقامات فرمانداری و استانداری قرار گرفتند. امروز می بینیم که سرما به داران "بخش خصوصی" با چه تفاوت و بی رحمی کارگران و کارمندان خود را اخراج میکنند و دولت سرما به داران نیز در مقابل تحمیل و اعتراض کارگران که خواهان کار هستند مارک ضد انقلاب به آنان زده و تخفیف کمیته جی و با ایدارسیویشان نشانه می رود. آری کارگران از ماهیت ضد انقلابی و استعمارگرانه این عناصر ارتجاعی که امروز نیز سعی میکنند نیروی کار زحمتکشان را به ارزانترین قیمت دودستی به اربابان و همپالکی های سرما به دار خود تقدیم و وظیفه طبقاتی خود را بنحوا حسن انجام دهند، بخوبی آگاه اند. زحمتکشان ما که در نظام های طبقاتی همیشه سنگ زیرین آسیا بوده اند و د رازای نان بخور و نمیر نیروی کار، جوانی و شادابی خود را به احمقان و مایل تولید فروخته و وحشیانه استعمار شده اند، هر روز گاهی و متشکل طبقاتی بیشتری کسب میکنند و دیر نیست آن زمان که طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل سیاسی با متحد کردن توده ها به گرد خویش، انقلابی را ستین بپا کند. در این انقلاب قدرت سیاسی و دولت از آن توده ها که زیر پرچم سرخ پرولتاریا متحد گشته اند، خواهد بود. نه سرما به داران غارتگر و ضد خلق. ■

کمونیستها همیشه با پدید این حقیقت برای کارگران توضیح دهنده نمایندگان سرما به داران، با هر ماسک ملی و مذهبی و تقدس مآبی که بر چهره برزنده هرگز نمی توانند از منافع و خواسته های هر حق زحمتکشان دفاع نمایند. آنها پس از اینکه از نیروی توده ها برای بقدرت رسیدن کمال استفاده را بعمل آوردند، زحمتکشان را خوا هنده فروخت و در معرض استثمار بیرحمانه تری قرار خواهند داد. بازگان قبلاً نیز مریحاً گفته بود که تاجر و سرما به داران (یعنی همان اقشاری که حیانتان بر اساس استثمار زحمتکشان و کسب ارزش اضافی استوار است) طبقه ای هستند که از صدمه مشروطیت تاکنون بیشترین نقش را در مبارزات ملی داشته و در انقلاب اخیر نیز بیشترین صدمات را متحمل شده اند. در حالیکه هر کسی منافع طبقاتی، عقل و بینا شین را زایل نکرده باشد، بخوبی می داند که در طول تاریخ توده های زحمتکش اساسی ترین نقش را در اواژگونی نظامات استبدادی ایفا نموده اند. گرچه هر بار طبقات ارتجاعی توانسته اند برگردند، توده ها سوار شده و قدرت سیاسی را از آن خود سازند، و در آینده نیز ما دام که طبقه کارگر به یک نیروی مستقل سیاسی که توسط حزب انقلابی خود رهبری میگردد تبدیل نشود، چنین خواهد بود. پرولتاریا تنها با بدست گرفتن رهبری انقلاب دموکراتیک میتواند این انقلاب و نتایج آن را در خدمت منافع خود و مبارز توده های زحمتکش قرار داده و آن را به انقلاب سوسیالیستی که اساس روابط استثمارگرانه را نابود می کند، تبدیل نماید. حال ببینیم بازگان این نماینده بر سخت سرما به داران اینبار چگونه با قلب حقاری تاریخی (مثل همیشه) به طبقه خود خدمت میکند. اینبار او کمی مطلب را در لاف می پیچد و بجای تاجر و سرما به داران از بخش خصوصی دم می زند. او می گوید: "بخش خصوصی شاید مظلوم ترین بخش ما باشد که متأسفانه لطافت زیادی به آن حورده و خوب رحال و سرگردنیا مده است. بخش عمومی که همیشه در ملکیت اساسی حیات و فعالیت و در آمد و محصول آزادی و آزادی و مقاومت در برابر استبداد و استیلای خارجی بوده غیلسی مورد تقویت و مورد رشد و توسعه قرار نگرفته است. این استدلال آقای بازگان است. اما استدلال زحمتکشان چیست؟! استدلال کمونیستها چیست؟ آنها می گویند:

اساس حیات و درآمد هر ملکیت نه سرما به داران بخش خصوصی، بلکه کارگران و زحمتکشان، کلیه بخشهای اعم از دولتی و خصوصی هستند. آنانند که با کار طاقت فرسا درست ترین و وحشیانه ترین شرایط کفالتی از سودجویی و طمعکاری بیهوده و سرما به داری است از شما و نعم مادی را تولید می کنند، در حالیکه خود سهم ناچیزی از این ارزشها را بدست آورده و بخش

گوشه‌ای از مبارزات دهقانی درمازندران

قائم‌شهر (شاهی)

در قاشم شهر چندین مورد درگیری بین دهقانان زحمتکش و رنج‌دیده با فئودالها و حامیان آنها که دیروز ژاندارمها بودند و امروز به کسوت پاسداران انقلاب و باکمیت‌های انقلاب درآمده اند، روی میدهد. علت درگیری و نزاع، بیشتر عدم تمکین دهقانان نسبت به فئودالها و سرپازدن از پرداخت نصف محصول آنان بوده است. خودداری دهقانان از پرداخت نصف محصول به فئودالها با توطئه‌ها و قتل‌رئیه‌های فئودالها روبرو شد ولی سودی نداشت. فئودالها از پاسداران باری جستند و آنها هم بسیاری فئودالها آمدند ولی باز هم موفق نشدند همچون گذشته حاصل دسترنج دهقانان زحمتکش را با بنفارت ببرند. دهقانان با همکاری یکدیگر چون دژی تخییرناپذیر در مقابل آنها ایستاده‌اند. انقلاب‌بدانها درسهای زیادی آموخته است به چند خبر زیر که نشان‌دهنده درگیری بین دهقانان و فئودالها و حامیان آنهاست توجه کنید. اینها مثنی از خروار است:

روستای بطرود

روستای بطرود و زمینهای منطقه آن متعلق به زمیندار بزرگی بنام حسین یزدانی (دوست نزدیک وزیر یزدانی و شاهپور غلامرضا) میباشد. چندی پیش دهقانان این منطقه که با خون دل محصولی بعمل آورده بودند، از پرداخت باصطلاح حق مالک که در تولید آن نفخی نداشتند است سر باز می‌زنند. در نتیجه دو تن از عوامل یزدانی بنامهای رحیمی و هاشمی، با اجیر کردن جماعت بدستان و مزدوران مسلح به دهقانان حمله ور میشوند. خوشنهای آنها را به آتش می‌کشند و نابود می‌کنند و پاسداران هم بروستانشان فشار می‌آورند که "حق" مالکین را بدهند. روستائیان "بطرود" برای افشاکری و حق طلبی با شمارهای "مرگ بر یزدانی"، "فئودال نابود است"، "کشاورز پیروز است"، "اسلام پیروز است"، سرمایه دار نابود است" و "پیام طالقانی: ثوراها دهقانی ایجاد باید گردد"، دست به تظاهرات می‌زنند و جلوی فرمانداری شهر تخمین میکنند.

کیاکلا

روز ۵۸/۶/۲۸ روستائیان کیاکلا در شهر به راهپیمایی پرداختند و جلو دادگستری متحصن شدند. شمارهای آنها طی راهپیمایی عبارت بود از: "شهادت و ثورا، پیام طالقانی"، و "کشاورز، اسلام انقلابی حامی سرخست توست"، "فئودال نابود است کشاورز پیروز است"، "سرمایه دار نابود است"، "کشاورز پیروز است". در پایان تخمین دهقانان قطنهای مادر کردند که در

قسمتی از آن میخوانیم:

"در روستاهای حومه کیاکلا" نیز، همچون سایر روستاهای ایران، پس مانده‌های رژیم استبدادی پهلوی، این مالکین مزدور و جیره‌خواران نظام حاکم گذشته نظیر فاعلی‌ها، بزرگ‌ها و بزدانیه‌ها و... با همکاری فرمانده هنگ ژاندارمری مازندران، رئیس پاسگاه ژاندارمری کیاکلا (پاران قدیمی فئودالهای منطقه) و با استخدام چماقدارانی چند، که همگی مدعی مجری دستورات آیت‌الله کئی رئیس کمیته مرکزی شهران بودند، ما کشاورزان را از همه طرف مورد تهاجم قرار داده، خانه‌های ما را به آتش کشیده و به جان و مال و نوایمسان تعرض نمودند که از جمله میتوان درگیری قبادی مالک و طرفداران مزدورشان با روستائیان روستای "دینه سر"، شیراندازیهای هاشی در روستای بهنجی و ایجاد ترس و وحشت در میان روستائیان، زندانی کردن نفرار برادران دهقانان و آتش‌سوزیهای روستای "موسی کلا" را نام برد.

در زیر بار این همه فشار، فزاینده‌ای برخاسته از حلقوم خونین مان را کسی پاسخ نداد و شکایات فراوانمان به مقامات مسئول دولتی و کمیته‌ها و دادگاه انقلاب راه بجایی نبرد. اما اتحاد و یکپارچگی و مقاومت دلیرانه ما کشاورزان، عوامل متحد زر و زور و تزویر را برای مدتی به عقب نشینی واداشته و آسایش نسبی برای ما ببار آورد.

با اینهمه، چند روزی است که مالکین مزدور و وابسته که هیچ پایگاهی در میان روستائیان آگاه و غیور روستاهای ماندانند در پناه حامیان نامبرده شان در صددند محصولات زمینهای را که نتیجه ماهها تلاش شبانه روزی و خون دل خوردن ما کشاورزان می‌باشد، از آن خود ساخته و سهمی نیز به جیره‌خواران درگاهشان بدهند.

ولی ما روستائیان روستاهای کیاکلا با تحریم نتیجه رنج دهقانان به فئودالهای آریامهری، به مقدمات دینمان و به شرافت انسانیمان سوگند یاد میکنیم که تا تحقق خواسته‌های برحقمان که همانا تامین مصالح مستضعفان و برقراری جامعه توحیدی میباشد، به مبارزات بی‌امان و همه جانبه خویش علیه استبداد، استعمار و استثمار ادامه خواهیم داد، و از این تاریخ (۵۸/۶/۲۸) بمدت یک هفته جهت رسیدگی به خواسته‌هایمان که ذیلاً بعرض میرسد، به کلیه مقامات مسئول، بخصوص دادگستری و دادگاه انقلاب شهرستان قاشم شهر، مهلت داده و به همه آنان قاطعانه هشدار میدهیم که در صورت عدم توجه به وضع اسفبارمان، مسئول تمام درگیریهای احتمالی آینده خواهند بود:

۱- ما کشاورزان روستاهای حومه کیاکلا حواستار محاکمه انقلابی و مجازات شدید مالکین مزدور و حامیان جنایتکارشان که هدفی جز سرکوبی دهقانان نداشتند و در حال

حاضر نیز یکمک چماقداران مزدورشان، جان و مال نوایمسان را مورد تهاجم و حشانه خویش قرار دادند، می‌باشیم.

۲- ما کشاورزان، خواهان تشکیل شوراهای دهقانی در روستاهای که اولین قدم در راه احقاق حقوق کشاورزان و پیاده شدن اصل انقلابی "امر هم ثورا بینهم" قرآن میباشد، هستیم.

۳- بر اساس حدیثی از امام جعفر صادق که فرمود: "الزرع للزرع و لوکان غاصبا" و بر طبق گفته امام در مورد زمینهایی که قبل از ۱۵ بهمن زیرکشت رفتند، محصولات زمینهای که از جانب ما کشاورزان کشت و کار شده، از آن ما میباشد. لذا خواستار کوتاه نمودن دستان پلیس مالکین مزدور و وابسته از این محصولات که حاصل رنج تلاش شبانه‌رویمان می‌باشد، هستیم.

"کشاورزان روستاهای حومه کیاکلا"

دینه‌سر

چندی پیش قبادی زمیندار روستای "دینه سر" یکمک جماعت بدستانش به کشاورزان حمله میکنند، اما با مقاومت سخت مردم روبرو شده و زخمی میشود. پس از این جریان پاسداران و ژاندارمها به ده میریزند و دهقانان را مورد ضرب و جرح قرار میدهند.

بهنجی

دهقانان روستای "بهنجی" از توابع قاشم شهر از دادن "نصف محصول" - که دسترنج و در نتیجه حق خودشان است - به زمیندار بزرگ و معروف منطقه بنام "برزگر" خودداری می‌کنند. مالک مذکور از پاسگاه منطقه باری می‌طلبد. رئیس پاسگاه بهاریش می‌شنابد و ۴۰ مرد مسلح به منطقه اعزام میکند. افراد مسلح با مردم درگیر میشوند و سعی میکنند با شیراندازی هاشی و وحشت ایجاد کنند.

روستائیان زحمتکش مقاومت میکنند و آنان را به عقب می‌رانند، ولی فرماندار و دادبار انقلاب اسلامی قاشم شهر، دخالت می‌کنند و بانیریک به کشاورزان میگویند: "شما نصف محصول مالک! راهبرید، ولی رسیدی" به وی بدهید که اگر مالک در دادگاه حاکم شد، نصف محصول را به او بر گردانید. این حیل به پادرمیانی رئیس ضد خلقی پاسگاه کارگر میشود. یکی از پاداران که دست‌آنها را خوانده بود، اعتراض میکند، ولی تنها نتیجه اعتراض اخراج وی از کمیته می‌شود.

جمال کلا

روستائیان "جمال کلا" از دادن "نصف محصول" به قاضی زمیندار بزرگده خود - داری میکنند. قاضی یکمک پسرش میکوشد علیه دهقانان حق طلب توطئه چینی کند. کشاورزان متوجه می‌شوند نیمه شب به خانه پسرش می‌ریزند و وی را شدت کتک می‌زنند. در این رابطه ۹ تن از روستائیان مبارز توسط دادگاه قاشم شهر دستگیر و زندانی شده‌اند.

خلقهای ایران و منطقه نسبت به حرکت های امپریالیسم آمریکا و عمالش در خلیج فارس، هشیارند!



اینست که آمریکا به بهانه "سرکشی ناوگان" از
مان مدت چهار ماه ارسال را در نزدیکی تنگه
هرمز خواهد بود.

هم اکنون در کنار نیروهای مزدور قابوس
قریب ۷ هزار نفر از نیروهای "انورسات" برای
سرکشی انقلاب خلق عمان در آنجا بسر می برند
و بدینا را خیرحستی مبارک معاون رئیس جمهوری
مصر از مسقط (۴ مهر) و نیز کمکهای به مدیران ارتجاع
سعودی به عمان، نشان دهنده "طرحهای امپریا-
لیستی وسیعی است که علیه خلقهای منطقه
دارد صورت می گیرد.

اما انتظار موعظی هیأت حاکمه ایران
علیه طرحهای امپریالیستی در منطقه توقی

● آمریکا نقش ژاندارمی خلیج را بعهده "کنیز مطبخی اش" - قابوس - واگذار کرده است.

ناجاست. زیرا با وجود آنکه قریب ۸ ماه از
سقوط شاه میگذرد، هیأت حاکمه جدید ایران
نه تنها از آنچه چنانچه که ارتش شاه در رفتار
علیه خلق عمان بکاربرد میوزنی خواستند و
روابطش را با قابوس، این سگ ناجیز امپریالیسم
در خلیج همچنان ادامه میدهد بلکه حتی پکنفر
از فرماندهان جناپنکا را رشترا که توده های
زحمتکش عمانی را قتل عام کردند به محاکمه
نگشده است و آنها همچنان بر سر کار باقی هستند
(نمونه اش سرشپ آذری که دوبار فرما ندهی
نیروهای سرکوبگر شاه در رفتار را بعهده داشته و
امروز فرما نده، سیاه قرب است!) همچنین در
حالیکه فربا دحمایت از مستضعفین جهان از
سوی سردمداران قدرت حاکم گوش فلک را کر
کرده است، جبهه خلق برای آزادی عمان که
۱۴ سال است علیه امپریالیسم و ارتجاع در
سخت ترین شرایط، مبارزه میکند از داشتن دفتری
در تهران محرومی باشد، سهل است، وزارت
خارج، دولت موقت حتی استقبال گرمی هم از
هیأت نمایندگی انقلاب عمان بعمل نیاورده
است. ما نوریروی درباری ایران در خلیج
فارس و درباری عمان هم که روزهای اول مهرماه
آغاز شد، همانطور که انتظار میرفت با هیچ موقع-
گیری سیاسی علیه طرحهای جدید امپریالیسم
همراه نبود و طبق معمول، هدف از آن "حفظ
آبادگی رزمی بکانهای نیروی درباری" اعلام
گردید.
در باران با بدگفت که خلقهای قهرمان
ایران که علیه امپریالیسم و درجهت ریشه کن
کردن نفوذ آن نه تنها از ایران بلکه از سر
منطقه به مبارزه ای پیگیر و خونین برخاسته اند
نسبت به کلیه تحركات امپریالیستی هشباری
کامل دارند. سرنوشت منطقه خلیج به بدست
خلقهای منطقه تعیین گردد و دست امپریالیسم
آمریکا و همدستان و عمالش از منطقه کوتاه شود.
اگر سرنوشت منطقه خلیج در دست خلقهای این
منطقه باشد برای سوسال امپریالیسم
شوری نیز که در رقابت با امپریالیسم آمریکا،
میگوشد ظاهراً حمایت از خلقهای اسیر با ارا
بندرتی راهی برای تثبیت قدرت
خود میباشد، حاشی نخواهد بود. از
همین دیدگاه است که تلاش حزب توده برای "آب
جا رو کردن" و استقبال از نفوذ شوروی در خلیج
به عنوان جایگزین، امریکا جزئی بسر آید
نخواهد بود! ■ (۵۸/۲/۶)

شمرده، هرگونه مخالف پارقیبی را در این-
منطقه تهدید به تاخت و سرکوب نظامی مینماید.
اما سرانجام قدرت پوشالی و عاریتی شاه
در برابر طوفان انقلاب توده های ستمدیده خلق
ما درهم فرو ریخت، و امپریالیسم که بنا بر ماهیت
گندیدگی و انحطاط خویش همواره مجبور است بر
چنین رژیم های ارتجاعی و پوسیده متکی باشد،
اینبار نیز با روبا دار خود را از دست داد.
اکنون، در شرایط جدیدی که پس از سقوط شاه
در منطقه پدید آمده، هر چند امپریالیسم امید-
های فراوان دارد که ضربات وارد شده بر پیگیر
خویش را ترمیم کند و امیدش با توجه به آنچه
پس از سقوط شاه در ایران بوجود آمده، واهی
نیست، بلکه اطمینانهای مشخصی هم دارد، ولی
ضربات وارد بر پیگیر امپریالیسم در نتیجه
انقلاب ایران، آن اندازه کاری بوده است که
امپریالیسم آمریکا برای حفاظت از منافع
خویش، حالا که شاه نیست، سلطان قابوس، این
کنیز مطبخی "خود را دربار" بداند!
این روزها طرحی ظاهر آید، به نام "امنیت
دستجمعی" از سوی قابوس مطرح گردیده است و
یوسف الطولی (که چند سال پیش در عیسوف
مبارزین ضد استعماری فعالیت میکرد و پس از
خیانت به خلق خود به معاونت وزارت خارج، عمان
رسید) راهی برخی از کشورهای منطقه شده است
تا این طرح را که از سوی آمریکا، انگلستان،
آلمان غربی و ژاپن حمایت می شود به این کشور
ها عرضه کند. طرح مآله با مقامات ایرانی هم
در دستور کار قرار دارد!
تاکنون عراق و نیز کویت شدیداً این طرح
امپریالیستی را محکوم کرده اند. سوال اینست
که چرا دولت موقت در برابر چنین طرح امپریا-
لیستی که منافع کل خلقهای ایران و منطقه را
تهدید میکند، ساکت است؟ و امپریالیستهای
آمریکائی را که با راهی چند ماه گذشته تصمیم
خود را در بر دخت نظامی و ارسال بیش از
ده هزار نیروهای ویژه خود به منطقه اعلام کرده-
اند، محکوم نمیکند و چرا در برابر تحركات
وسیع امپریالیستها خاموش است؟ گویان ۴۰۰
هنگل از نیوزویک می نویسد: "ناوگان آمریکائی
وابسته به ناوگان اقیانوس آرام که سالی یک
بار از این منطقه دیدن میکرد است اکنون
قرار است دیدارهای خود را با رهبران کرد و هر
کدام یک ماه در این منطقه باشند معنی این حرف

منطقه خلیج برای امپریالیستهای یکی از
جبهاتی ترین مناطق جهان است. تنها بیش از
۶۰ درصد از ذخیره نفتی جهان در این منطقه
قرار دارد. حفظ "امنیت" این منطقه و به عبارت
دیگر تضمین غارت ثروتهای هنگفت آن، همواره
مورد توجه امپریالیستهای جهانخوا بوده است.
اگر از بارز پررونق تجاری و بویژه میلیاردها
دلار اسلحه که سالانه به این منطقه سرازیر شده
است بگذریم، وابسته بودن صنایع آمریکا و
اروپای غربی و بویژه ژاپن به نفت این منطقه
نشان دهنده اهمیت استراتژیک خلیج برای
امپریالیسم می باشد. روزانه میلیونها بشکه
نفت از ایران، کویت، امارات عربی و قطر و...
بسوی کارخانه های امپریالیستی سرازیر میشود
هر روز تعداد زیادی از نفتکش های بزرگ از
گلگاه خلیج یعنی تنگه هرمز میگذرند و از
این آبراهه باریک است که خون در شریانهای
امپریالیسم جاری میشود. حساسیت و غریبه پذیر
بودن منافع امپریالیستی را بویژه با توجه
به پیداری خلقهای منطقه و با لا گرفتن مبارزات
ضد امپریالیستی آنان طی دهه های اخیر بخوبی
میتوان مشاهده کرد.

امپریالیسم جهانی از طرق مختلف برای
حفظ این منافع سرشار غارت، وارد عمل شده
است: با حضور نظامی دوران استعمار گرفته تا
انعقاد بهمانهای نظامی با عمال دست نشانده
خود در منطقه، با بار هردوی آنها، کما اینکه هر
گاه لازم دیده به توطئه، سرکوب، کودتا جهت
برقراری انواع وابستگی های اقتصادی، سیاسی
نظامی و فرهنگی علیه خلقهای منطقه متوسل
شده است.

پس از جنگ جهانی دوم، یکی از مهمترین
دلایل انعقاد بهمانهای نظامی سیتو است
حفظ این منابع غارت بود، چنانکه بعدها بهمان
اسلامی (ظاهراً به استکار عربستان سعودی و شاه
در نیمه اول سالهای ۶۰) مطرح گردید. پس از
شکست مفتضحانه امپریالیسم آمریکا در جنگ
ویتنام، استراتژی آسیای نیکیسون مطرح شد
که بر طبق آن، "امنیت" مناطقی مانند خلیج به
عهده عمال امپریالیسم در همان منطقه گذارده
میشود و امپریالیستها نقش حمایتگرست نشانند.
گان خود را با ز می نمایند. بر این اساس بود
که ژاندارمی امپریالیسم در منطقه خلیج به
عهده بورژوازی وابسته ایران (رژیم شاه)
گذارده شد و چنانکه می دانیم شاه تنها با خرید
دهها میلیارد دلار اسلحه از آمریکا خود را برای
ایفای چنین نقشی آماده میکرد، بلکه عملاً
ارتش خود را برای سرکوب نیروهای انقلابی
منطقه به آن سوی خلیج نیز گسیل می داشت.
اشغال به جزیره عربی تنب بزرگ و کوچک و
ابوموسی و انعقاد بهمانهای دوجانبه با دولت
دست نشانده قابوس در عمان، برای کنترل دهانه
خلیج (تنگه هرمز)، جزئی از این طرح امپریا-
لیستی بود. شاه با این در این خویشی ناانجا
پیش رفت که بر اساس طرحهای امپریالیستی،
خود را کاندیدی ژاندارمی اقیانوس هند نیز
مینمود و در مناسبتهای مختلف اقدام به
سرکوب انقلاب عمان را از افتخارات خویش

اخبار تهران و حومه

تفتیش عقاید در دانشگاه

در دانشگاه تهران تفتیش عقاید شروع شده است. در روز دوشنبه ۵۸/۷/۲ در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران حدود ده نفر از استادان و تکنیسین ها و کادرهای اداری را به دفتر احضار و در حضور پاسدار و یک نفر دیگر از آنها بازجویی می شود. سؤالاتی که شده بیشتر در باره طرز تفکر و ایدئولوژی افراد بوده است. از این تعداد حدود ۵ نفر آزاد می شوند و ۵ نفری که بازداشت می شوند حکم تفتیش خانه های آنها داده می شود. به آنها گفته اند که اگر ظرف ۴۸ ساعت دیگر مدارکی از شما بدست نیاید، آزاد می شوید و به ۵ نفر دیگر که آزاد شده اند اخطار میشود که مواظب حرکات و گفتار خود باشند!

■ در اولین روز بازگشایی مدارس در یکی از دبیرستانهای خوارزمی تهران بهمن دو

گزارشی کوتاه از مبارزات مردم زحمتکش محله دولت آباد

بریزند، راننده آمبولانس را بشدت کتک می زنند. پس از اینکه مسئولین نخست وزیری محل کار خود را ترک می کنند، آنها نیز بناچار به خانه های خود برمی گردند. حدود ساعت ۱ نیمه شب افراد کمیته پسا بلندگو مردم را جمع می کنند و برای ایجاد تفرقه و دو دستی می گویند: "از این ۵۵ دستگاه باید ۳۰۰ دستگاه تخلیه شود، چرا که ساکنین افراد متعادل، فاحشه و ضد انقلابی هستند." مدای اعتراض مردم بلند میشود که: "ما اینجا نه ضد انقلابی داریم و نه فاحشه، مردمی زحمتکش هستیم اینجا را هم تخلیه نمی کنیم". مشروح جریان را در شماره های بعد ملاحظه کنید.

در جریان قیام بهمن ماه، که طومار رژیم مزدور پهلوی را در هم پیچید، بسیاری از مردم زحمتکش فکر می کردند بسزوی صاحب سرپنهای می شوند و پس از سالها درگیری و زندگی کولی وار، چهار دیواری کوچکی، اگر چه قفسی باشد برای انسانی، به آنها تعلق میگیرد. این بود که بسیاری از ساختمانهای شام و نیمه تمام را اشغال کردند و در آن سکنی گزیدند. اما هنوز چند روزی از قیام نگذشته بود که خود را با پاسبانهای جدید - افراد مسلح کمیته - روبرو دیدند. افراد کمیته هر جا که زورشان رسید، مردم بی سرپناه را با چندین بچه بیرون ریختند، اما همه جا اینطور نبود. در بسیاری موارد با چنان مقاومتی روبرو شدند که حتی با بجا گذاشتن زخمی عقب نشینی کردند. جالب توجه است که هر جا افراد کمیته نتوانستند با زور کاری از پیش ببرند، آغوشهای مرتجع پادرمیانی کردند و با استفاده از احساسات مذهبی مردم سخنرانی کردند که: "... نمازی که در این خانه ها می خوانید مورد قبول خداوند تبارک و تعالی نیست! بچه هایی که بعمل می آورید طلال زاده نیستند و..." اما این حیلها هم کارگر نشد. انسان است و خانه میخواهد، آنها نه خانه ای آنچنانی، بلکه فقط سرپنهای به قصد در امان بودن از سرما و گرما و رهایی از درگیری و دولت آباد یکی از این محله هاست. اهالی دولت آباد مدتی است که شورای محله تشکیل داده اند و به این ترتیب توانسته اند در مقابل شوطه ها و دیسبه های کمیته و افراد مرتجع بطور متشکل و آگاهانه ایستادگی کنند. حدود دو هفته پیش که برای باز کردن آب لوله کشی می روند، افراد کمیته جلو - کبری می کنند و میگویند بروید با کمیته صحبت کنید. شورای محله همراه تعدادی از مردم به کمیته میروند، اما در آنجا در را بروی آنها می بندند و با قنداق تفنگ و مشت و لگد بجان آنها می افتند. در این هنگام شیرزانی که از دستگیری شوهرانشان با خبر شده بودند، جلوی نخست وزیری می - روند و آنجا بست می نشینند. اینجا که قبلاً انواع دوز و کلک را تجربه کرده بودند، در برابر این شوطه که "از اینجا بروید و نمایندگان خود را برای مذاکره بفرستید" مقاومت می کنند و به سخن خود ادامه می - دهند. پس از مدتی آمبولانس آژیر کشان می آید که مثلاً زخمی دارد و میخواهد که راه را برایش باز کنند. اما زنان مبارز دولت آباد، آمبولانس را احاطه می کنند و به بازرسی آن می پردازند. وقتی می بینند مریخی در کار نیست و به این بهانه می - خواسته اند تحصن و اجتماع آنها را بهم

چگونه دست فربکاران رو می شود؟!!

از سخنان آیت الله خروشاهی در کیهان اول مهرماه

* هر جا میخواهیم خانه بازاری یا خانه ای را تحویل بگیریم دولت میگوید اینجا مال ماست و لازم داریم.
* می ترسم که مردم خودشان بریزند و خانه های خالی را تصاحب کنند.
* من از تمام مستضعفان که نان نوبسی گردانند محوالم در وجود اختیارات بنیاد، تحقیق و بررسی کنند و هنگامیکه متوجه شدند چندان اختیاری نداریم دیگر بیا مراجعه نکنند.

اطلاعیه بنیاد مسکن

در اطلاعیه آمده است این بنیاد در حال حاضر آمادگی خرید آپارتمانها و بنا تک - واحدی هایی را دارد که سطح زیر پای آنها بین ۶۰ تا ۱۰۰ متر مربع مساحت و حداکثر بهای این واحدهای مسکونی از ۱۵۰ هزار تومان به بالا نباشد. برای اطلاع بیشتر از حقوقی خود احاطه این امر، مالکین اسکله آپارتمانها میتوانند با دفتر مرکزی بنیاد مسکن تماس بگیرند.

بنیاد مسکن انقلاب از خرید آپارتمان با سطح از ۱۰۰ متر مربع زیر بنا معذور است تهران - خبرگزاری فارس - بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در اطلاعیه ای اعلام کرد که از خرید آپارتمانها و بنا تکواحدی های مسکونی که سطح زیر پای آنها بین ۶۰ تا ۱۰۰ متر مربع باشد معذور است.

کارگران و زحمتکشان! یادتان هست که درباره تأمین مسکن برای مستضعفین چه تبلیغاتی در رادیو و تلویزیون و مطبوعات وابسته به رژیم حاکم راه انداختند؟ یادتان هست که آیت الله خسر و شاهی مصاحبه ها کرد و گفت چنین و چنان یکم آپارتمانهای خالی را میخرم و در اختیار مستضعفین قرار میدهم؟

حال بنیاد مسکن انقلاب اطلاعیه داده و اعلام کرده است که آمادگی خرید آپارتمانهای بیش از ۱۰۰ متر را ندارد و آیت الله خروشاهی در مصاحبه ای در کیهان اول مهرماه گفته که دیگر بیا برای خانه خالسی مراجعه نکند!

هموطن فکریکی در تهران چند خانه و آپارتمان خالی با مشخصات فوق وجود دارد؟ یا این سخنان دولت در واقع آب پاکی را روی دست همه کسانی که منتظر مسکن بودند ریخت؟ معلوم میشود آن تبلیغات کرکته در داد و بیبدها فقط و فقط حرف بوده است و برای تریب و ساکت کردن مردم می باشد.

هموطن آیا فکریکی رژیم پول ندارد؟ ما که فکرنس کیم. تازه این کار به پول احتیاج ندارد، فقط کافی است دولت دست از حمایت سرمایه داران زمینخواران و دم کلفتیهای صاحب هزاران متر زمین و صد ها آپارتمان و خانه هستند بردارد تا مردم خودشان بر روی زمینهای آزاد شده خانه بسازند و در خانه های خالی سرپنهای برای زن و بچه هایشان بوجود آورند. ولی آیا دولت و کسانی که خود نماینده سرمایه داران و دم کلفتها هستند میتوانند چنین کاری کنند؟ اقدام مستقیم مردم دولت آباد که در قیام بهمن ماه به صادره آپارتمانهای خالی پرداختن نشان داد که نباید منتظر وعده و وعیدهای دولت و دستگاه های عریض و طویل مثل بنیاد مسکن و غیره شد.

یesterday اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران!

نابود باد فربکاران و سرمایه داری وابسته به امپریالیسم!

* داشتن يك سرپناه و مسکن، ابتدائی ترین حق هر انسانی است!
(رومندگان آزادی طبقه کارگر)

بقیه از صفحه ۹

دسته از دانش‌آموزان مذهبی و غیر مذهبی زد و خوردی رخ داد. ماجرا از این قرار بود که وقتی دانش‌آموزان مبارز میخواستند اعلامیه‌های سازمانهای انقلابی را پخش کنند با ممانعت ۴ دانش‌آموز مذهبی روبرو شدند و کار به زد و خورد کشید. اکثر دانش‌آموزان بعمل ۴ دانش‌آموز مذکور اعتراض داشتند.

اخراج مزدوران و ساواکی‌ها از بانک پارس

شورای کارکنان بانک پارسی اعلامیه‌ای اسامی پنج تن از مزدوران و سرپرستگان رژیم ساقط شده شاه را اعلام کرد. این تصمیم شورای مذکور علیرغم مقاومت مدیر عامل بانک پارس در مقابل خواست انقلابی آنها صورت پذیرفت. اسامی پنج نفر: ۱- حمید افشار نیسان ۲- محمد رضا ملکی ۳- فضل الله آزاده ۴- حسین توکل ۵- ارسطو مزدانی. در پایان اعلامیه آمده است: کارکنان بانک پارس از تاریخ ۱۳۵۸/۲/۷ از ورود این عناصر به بانک جلوگیری بعمل خواهند آورد.

جنگیدیم، خون دادیم، اما هنوز بیکاریم

روز یکشنبه اول مهرماه، مدها نفر از دبلمه‌های بیکار تهران در خیابانهای انقلاب و طالقانی برآهیمانی پرداختند و خواستار کار برای تمام بیکاران کشور شدند در حین حرکت بسیاری از مردم به آنها پیوستند و برخی دیگر نیز در پیاده‌روها با ابراز احساسات اعلام همبستگی کردند. شعار تظاهر کنندگان عبارت بود از: جنگیدیم، خون دادیم، اما هنوز بیکاریم "مرگ بر سرمایه دار، عامل بیکاری ما". این تظاهرات تا حدود ساعت ۱ بعد از ظهر ادامه داشت.

غیر بعدی حاکمیت که این عده بعد از ظهر سه شنبه سوم مهر ماه از مقابل وزارت کار حرکت میکنند تا به نخست‌وزیری بروند اما روبروی دانشگاه تهران عده‌ای فالانز راه را بر آنها می‌بندند و شعار میدهند: "مثله" بیکاری نیست. توطئه آمریکا است. با وجودیکه تظاهر کنندگان از درگیری پرهیز میکردند، اما عناصر مرتجع و فالانز درگیری را تحمیل میکنند و یک نفر زخمی می‌شود. برای جلوگیری از درگیری شدید متفرق میشوند و قرار می‌گذارند روز شنبه صبح در پارک لاله جمع شوند و نسبت به تظاهرات‌های بعدی خود تصمیم بگیرند.

تهران

— جواد ریث سابق زندان رشت اکنون رئیس کمیته اکباتان است.

تهران

روزی یکشنبه ۵۸/۶/۲۵ در منطقه خیابان پیروزی (فرج‌آباد سابق) عده‌ای از جوانان یک محله شورائی تشکیل می‌دهند تا نسبت به گرانفروشان محل تصمیم بگیرد. این‌ها شورا به قصاب‌گرانفروشی که گوشتها را دو دسته می‌کند و نوع مرغوب‌تر را به افراد مرفه و با بهای بیشتر و بقیه را به زحمتکشان می‌فروخته اظهار می‌کند که اگر از این عمل خود دست برندارند ما شورا از این محله مانع کسب و کارش می‌شویم. بعد از این اظهار، قصاب مذکور اکنون گوشت را بصورت مخلوط می‌فروشد.

آبادان

— در پی آتش‌زدن کتابفروشی "ارانی" توسط اوباش مزدور، برخی از کتابفروشی‌ها که کتابهای مترقی می‌فروختند، تهدید می‌شوند که "باید از فروش این نشریات بردارید، یا بشید مجازات می‌شوید". رادیو نفت ملی (آبادان) نیز در پی وقایع پاوه، شروع به پخش بکری اطلاق می‌شود از طرف دادستانی انقلاب اسلامی آبادان مبنی بر معرفی عناصر ضد انقلاب می‌نماید. در همین زمان برخی آغوندهای محل از مریدان خود می‌خواهند که اسم و

آدرس افراد چپی کوچه و محله‌شان را بنویسند و به آنها بدهند.

همزمان با این حوادث به خانه چند نفر از دانشجویان نیز حمله می‌شود: از جمله به خانه یکی از دانشجویان مبارز که در جریان اعتصابات و تظاهرات گذشته بسیار فعال بوده. هنگامیکه ماورین برای دستگیری او به خانه اش هجوم می‌برند او در خانه نبوده. همچنین در حمله به منزل یکی از دانش‌آموز مبارز، کتابهایش را ضبط می‌نمایند، و از او تمهید می‌گیرند که دیگر از این کتابها نخواند! همین اخبار حاکمیت، لیستی از افراد مبارز اسم از کارگر و روشنفکر توسط کمیته تهیه شده تا بتدریج آنها را دستگیر کنند.

— طبق اخبار رسیده، در نیروی دریائی، تمایل زیادی برای رفتن به کردستان دیده نشده، و علیرغم تلاشهای مدنی هنوز نظم غفکان بار گذشته بر نیروی دریائی حاکم نشده است. — یک درجه‌دار نیروی دریائی که می‌خواست به کردستان برود، با مخالفت همسرش که از نظر سیاسی موافق با رفتن وی نبود، روبرو شد. این زن از شوهرش خواسته در مورتی که می‌خواهد به کردستان برود، او را طلاق دهد. در نتیجه درجه دار مزبور از این کار منصرف شده است.

رفقه‌ها و ادران! اخبار مبارزاتی منطقه خود را برای ما بفرستید. در صحیح و موق بودن اخبار نهایت دقت را نموده و تاریخ و مشخصات دیگر خبر را ذکر کنید. خط خوانا و ارسال بموقع خبر را حتماً به خاطر داشته باشید.

پس گرفتن عقب نشینی‌ها!

کارگران مبارز!

"دولت موقت" تحت فشار کارگران و توده‌های زحمتکش خلق ما، عقب نشینی‌هایی در گذشته انجام داد. از جمله "وام بیکاری" نیم‌بندی را تصویب کرد که از ۲/۵ میلیون نفر بیکار، فقط ۱۲۰ هزار نفر را در برمی‌گرفت! اکنون که دولت موقت ضد انقلاب یورش همه جانبه خود را به دستاورد. های انقلاب آغا ز کرده است، این عقب نشینی‌های محدود خود را پس می‌گیرد. دولت موقت ضد انقلاب اعلام کرده است که از اول مهرماه "وام بیکاری" نیم‌بند خود را دیگر برداخت نخواهد کرد!؟

کارگران مبارز!

در سندی‌ها و تشکیلات واقعی خود متشکل شوید!

حول شعارهای زیر، مبارزه متحدانه‌ای را پیش ببرید:

۱- "کار" ایجاد باید گردد!

۲- "حق بیمه بیکاری" پرداخت باید گردد!

۳- کارگران نباید اخراج گردند!

۴- "خانه کارگر" آزاد باید گردد!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۲/۹

اخبار شهرستانها

کرمان

— مدتی پیش حدود ۱۲ نفر را از مس سرچشمه دستگیر کرده و به کمپته رفسنجان می برند. اغلب دستگیر شدگان کسانی بودند که در ساواک سابق پرونده داشتند و گویا بر اساس همان پرونده های قبلی پسران افغان رفته بودند. یکی از آنها قبلاً ۴ سال زندانی سیاسی بوده است. بعد از بازداشت به خانه آنها هجوم می برند و تعدادی کتاب و نشریه با خود می برند. از خانه یکی از آنها دفترچه یادداشتی گیر می آورند که نویسنده پس از قیام، مطالبی را با دداشت کرده و ضمن آن نوشته بوده که چیزی تغییر نکرده، فقط مهره ها جابجا شده اند. این دفترچه بعنوان یکی از موارد اتهام هم— اکنون ضمیمه پرونده اوست. بطور کلی موارد جرم عبارت است از:

- ۱- قصد برای انداختن اعتصاب.
 - ۲- سربردن از آنها به گردستان (قبیل از جربانات اخیر گردستان).
 - ۳- مطالعه و داشتن کتب فاله.
- پس از محاکمه تعدادی از آنها به ۱۵ سال حبس تعلیقی محکوم میشوند.

خرمشهر

— سازمان بنادر و کشتیرانی طی بخشنامه ای (۵۸/۶/۲۷) به خدمت تعدادی از ملوانان خود تحت نام، صرفه جویی در پیرسل خاتمه داد. ملوانان اخراجی طی نامه ای به بازرگان گفته اند: "همه ما بر اساس شغل و درآمد مورد پیش بینی مان، با دست به ازدواج زده و با تعهدات مالی پذیرفته— ایم، اکنون به پیچیده مسئله اخراج برای ما قابل تحمل نیست." آنها بدینوسیله خواسته اند، بخشنامه مذکور نادیده گرفته شود.

رشت

لوله تفنگ ارتجاع حاکم

بطرف خلق

روژ ۱۷ شهریور در محله سردار جنگل (صمد بهرنگی) در شهر رشت پرده ای که روی آن شمار "دولت بازرگان با کشتار در رشت" ۱۷ شهریور دیگری بوجود آورده است نوشته شده بود نصب میشود و آتروز آغوندی بنام احسان بخشن با عده ای فالانژ برای با این آوردن پرده اقدام میکنند ولی اهل محل مقاومت کرده و موفق به پراکندن آنان می شوند بعد از مدتی فالانژها به سرگردگی طبایخی و طباطبائی (طباخی مسلح به کلت می باشد) دانشجوی دانشکده ورزش رشت و

عضو گروه حرکت اسلامی است) با اهالی درگیر می شوند و طباخی مبادرت به تیر— اندازی کرده و دو نفر را از ناحیه شکم و دیگری را از ناحیه کتف مجروح می سازد. مردم محل تا ساعت یک بعد از نصف شب در وسط خیابان بستم می نشینند و شعار میدهند که یکی از شمارهای آنان (مرکز بر دولت ارتجاعی) بود.

آمل

تظاهرات علیه گرافروشی

روزشنبه ۵۸/۶/۲۱ پس از پایان سخنرانی فخرالدین حجازی در حسینیه ارشاد مدها نفر به تظاهرات می پردازند. تظاهرات ابتدا با شعارهایی مانند "چپ و راست نابود است— اسلام پیروز است" شروع می شود، اما پس از مدتی شعارها تغییر می کنند و به صورت زیر در می آید:

"اتحاد، اتحاد، علیه مستکبرین"— "اسلام پیروز است، سرمایه دار نابود است"— "مشت گره کرده ما، علیه سرمایه دار"— "مستضعف پیروز است، سرمایه دار نابود است"— "احتکار، احتکار، خیانت است به قرآن".

تبریز

تظاهرات برضد شهریه

— دانش آموزان دبیرستانهای مختلف بخاطر لاف شهریه و اعتراض به تدریس زبان عربی و درخواست تدریس زبان مصادری در تاریخ ۵۸/۷/۲ دست به تظاهرات زده اند. آنها در حالیکه بطرف اداره آموزش و پرورش در حرکت بودند شعار می دادند: نه فارسی، نه عربی آنادیلی (زبان مادری).

تفتیش عقاید

شهریز— از ۶ نفر از محصلین دبیرستان دخترانه ایران دخت بخاطر داشتن افکار چپشی ثبت نام نکرده اند.

اردبیل

— رئیس کمیت ۱۷ شهریور اردبیل بنام ملابیدار به اتهام رشوه خوری کلان و همکاری با ساواک سابق، بتازگی دستگیر شده است.

بقیه از صفحه ۲

ولایت فقیه ...

را در آنجا می کند و خیال می کند و با این "کشتن" می تواند جلوی فتنه را بگیرد." اما اعتراض آقای احمد خمینی چه فایده ای دارد، زیرا فتنه و از جمله آیت الله خمینی (عموماً گذشته و در سخنرانی روزهای آخر هفته گذشته) آنها را ناشی می کنند و تازه نه مخالفت او و نه مخالفت حتی (بقرض محال) فقیه دیگر اثری ندارد. چرا که هر حاکم شرع و فقیه بطور خود مختار عمل میکند!

ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱۲

دعوا بر سر درآمد ...

از این نیز نمی توانست باشد، پاسخ به خواسته ها و توجه به مصالح و منافع کارگران و کارکنان زحمتکش شرکت نفت است. آنان که سیاست های فداکاری حسن نزیه را تجربه کرده اند و کار— نامه، سیاه او را قبلاً افشا ساخته اند، (خیلی زودتر از با صلاح طرفداری آقای اشراقی از کارگران و کارکنان در مقابل نزیه— مراجعه شود به کارنامه ۶ ماهه حسن نزیه که بوسیله کارگران مبارز شرکت نفت منتشر شده است—) اکنون برنامهریز دولت بیوروازی را در رأس شرکت نفت می بینند. کسی که نمیتوان تدوین کننده، برنامه های اقتصادی رژیم کنونی، نقش اساسی در طراحی تمام برنامه های فداکاری دارد، نخواهد توانست به درد کارگران و کارکنان برسد. اما مسلماً بمدد هواپیمای و افشاکسری کارگران و کارکنان مبارز و آگاه شرکت نفت، ماهیت فداکاری این مدیر بیوروا نیز مانند نزیه، رو خواهد شد. هرچند که بدلیل مذهبی بودن وی، امکان عوامفریبی اندر میان کارگران و کارکنان نا آگاه افزونتر است.

بقیه از صفحه ۶

آقای بازرگان ...

ها به مراتب بیش از ارتجاع و امپریالیسم وحشت دارد و هر جا که منافع طبقاتی خود را در خطر ببیند آماده سازش با سیهترین اشکال فاشیسم می باشد. در اینگونه مواقع او دیگر لیبرال و طرفدار قانون نیست. ماسک "دمکراسی" و "قانون" را کنار می زند و با آدمکشان و فاشیستها و امپیر— بالیستها، منافع و جهت مشترک پیدا میکند.



محض اطلاع!

روزنامه جمهوری اسلامی (۲ مهر) در مرگ ابوالاعلی مودودی - رهبر حزب دست راستی جماعت اسلامی پاکستان - توجیه سرداده اشک می ریزد، و قبحانه او را با مرحوم طالقانی مقایسه می کند...

اما برآستی او که بود؟ در یک کلام کافی است بگوئیم: قربانی که دارودسته آمریکائی، فاشیست مذهبی و آدمکش فیه - الحق را بنمایندگی از فئودالها و بورژوازی وابسته پاکستان طی یک کودتا بقدرت رساند و با سرکوب مداوم نیروهای مترقی در این کشور همسایه، پایه های تسلط آمریکا را در منطقه تقویت نمود، بوسیله همین ابوالاعلی مودودی که بقول روزنامه جمهوری اسلامی "سرباز اسلام" و "متفکر بزرگ" بود برای افتاد.

اما چرا روزنامه ارگان حزب جمهوری اسلامی و چندتن از آفات عظام نیز مرگ او را تسلیم گفته اند؟ جواب را خواننده میداند که "عاقل را اشارتی کافی است".

همینجا بی مناسبت نیست یکی دیگر از "رهبران جهان اسلام" یعنی آیت الله سید محمد باقر صدر رهبر جنبش اسلامی در عراق را که باز روزنامه ارگان حزب جمهوری اسلامی (شماره ۲۲ خرداد و روزهای قبل و بعد از آن) مورد "تجلیل-تبلیغاتی فراوان قرار داد در چند سطر معرفی کنیم: آیت الله سید محمد باقر صدر که مولف کتابهای "فلسفه ما" و "اقتصاد ما" می باشد در عراق حزبی مخفی دارد بنام حزب "الدعوة". میانی این حزب از لحاظ ارتجاعی بودن قابل مقایسه با حزب دست راستی دیگر جهان عرب یعنی "اخوان المسلمین" و "التحریر" (۱) است، که بطور قطع مسوود حمایت آمریکا و عربستان سعودی هستند، حزب "الدعوة" معتقد است که "اگر دولت اسلامی تشکیل شود چون بالاخره ضعیف است با باید متکی به آمریکا باشد و با شوروی، اما چون شوروی ملحد است پس باید به آمریکا متکی باشیم". اید نیست اضافه کنیم که یکی دیگر از سران حزب "الدعوة" پسر بزرگ آیت الله حکیم بود که در سال ۵۲ بخاطر روابطی که از نجف با رژیم شاه داشت از عراق اخراج شد و مدتی را در ایران در کنف حمایت محمد رضا شاه گذراند.

حالا بر طبق گفته: آدم را با پنداز همنشین اش شناخت. شناسائی این آقایان وطنی خودمان دشوار نیست که گفته اند: آپ، آپ را می جوید، گودال هر دو را.

(۱) هیأتی از همین "التحریر" فعلا در ایران است و آمده که با مقامات درباره ایجاد خلافت اسلامی مذاکره کند (نگاه کنید به اطلاعات دوم مهر). و آیا اگر اختلافی بین احزاب دست راستی منطقه زیرلوی اسلام بوجود آید، برای امپریالیسم مناسبتن از بهمانهائی نظیر ستو نیست؟

نگاهی به دعوی نریه و اشراقی

این روزها جدال سختی میان دولت رهبری روحانی بر سر مدیریت صنعت نفت در گرفته است. اشراقی فرستاده و ویژه امام از ناراضیانی

در هفته ای که گذشت

"کارکنان مستضعف و شریف" و "سیاست نریه در مدیریت صنعت نفت" و وجود تبعیض بین کارگران و کارمندان و لزوم "پاکسازی" صنعت نفت دم می زند و آقای نریه ضمن تکذیب این ادعاها اعلام کرده است "تقدیم ندارد فقط بخاطر این هو و جنگاها استعفا دهد".

چرا تناقضات و اختلافات میان دولت و قشر ممتاز رهبری روحانی امروز در مدیریت صنعت نفت استعکاس می یابد؟ بسیار ساده لوحانه است اگر باور کنیم که این قشر ممتاز رهبری روحانی، قشری که چه عملا و چه از لحاظ قانونگذاری (با گنجنا شدن مواد و از ادبیت فقیه) کوشش میکند در قانوان اساسی مملکت و در دولت، امشیازات فراوانی برای خود کسب کند، واقعا طرفدار حقوق کارگران صنعت نفت و پاکسازی این صنعت از عناصر فرودمی است. شما می ماجر - های پس از قیام نشان دهنده، سنگبری سیاسی و طبقاتی رهبری روحانی در جهت محدود شدن های قیام بوده و از ادبهای دموکراتیک، کشتار و خلعها، سرکوب کارگران و دهقانان زحمت کش و نیروهای سیاسی طرفدار طبقه کارگران، رهبری روحانی سعی کرده هرگونه جنبش اجتماعی و اعتراضی کارگران در مقابل استثمار و حشانه، سرمایه داران را با مارک کمونیست و ضد انقلاب درهم بکوبد، نظا هرات آرام کارگران بیکار که فقط خواهان کار برای امرارمساخ خانواده، خود هستند، توسط کمینتها و عوامل ارتجاع بگلوله بسته شده و کارگران و روشنفکران آگاه و انقلابی به بهانه غیر مذهبی پسوند از کارخانه ها و ادارات تعقیب میشوند. زیر پوشش مذهب مطبوعات و سازمانهای انقلابی مسوود هجوم گسترده نیروها و عناصر فاشیست قرار میگیرند. "قشر ممتاز رهبری روحانی" از ابتدا در فکر گسترش و تحکیم قدرت دستگا ه مالی خاص خود نیز بوده است. رهبری روحانی در اولین روزهای پس از قیام اعلام کرد که اموال ما دره شده، مقامات و وابستگان رژیم سابق مربوط به دولت نبوده و باید در اختیار دستگا ه خاصی که خود به نام مستضعفین ایجاد کرده، قرار گیرد. خرج این رقمهای کلان و شیزم بالغ عظیم دیگری که بمنابین متعدد و در حسابهای جداگانه و نیز از طریق وجوهات شرعی در اختیار قشر رهبری روحانی قرار میگیرد، بدور از هرگونه نظارت و حسابرسی بوده و پیرا و خ است که به هرگونه ای که بصر رسد نمی تواند در خدمت منافع گروهی و تحکیم قدرت سیاسی و مذهبی این قشر ممتاز رهبری روحانی نباشد ولی دولت نیز برای

دعوا بر سر درآمد هنگفت نفت!

تحکیم بوروکراسی، اداره امور اقتصادی و سیاسی کشور بر طبق منافع سرمایه داران و سرکوبی سیستماتیک جنبش زحمتکشان احتیاج به منابع عظیم مالی دارد و بدیهی است که عمده ترین منبع درآمد دولت در کشور ما نفت است. ولی "قشر ممتاز رهبری روحانی" در عین حال که با دولت در مورد سرکوب زحمتکشان و ایجاد نظم دلخواه کل بورژوازی منافع مشترک دارد، برای تحکیم قدرت سیاسی خود بمنابین یک قشر ممتاز طبقه، خاکمه مایل است عناصروا بسته خود را در کنترل این منبع عظیم درآمد بکاربرد. هدف دیگر رهبری روحانی از تقیه کردن صنعت نفت "تصفیه" این عظیمترین مرکز تجمع و سنگر مبارزاتی پرولتاریا از کارگران انقلابی و آگاهان است. رهبری روحانی که رشد جنبش کارگری در این صنعت را در مدنظر دارد بخاطر خود در مدد پیگیری و جلوگیری از بروز اختلال در جریان بلاوقفه، این منبع عظیم درآمد از طریق تشدید کنترل و اختناق است. دفاع از "کارگران مستضعف و شریف تنها پوششی است که منافع تنگ نظرانه، این آقایان را استوار می کند. در تأیید این مطلب می توان گوشه ای از نامه ۵ گروه اسلامی آبادان (کانون فتح، ستاد جبهه دما زندگی، سپاه پاسداران...) را که زیر نظارت و تحت تاثیر مستقیم روحانی هستند، ذکر کرد که در آن گفته میشود: "... عملکرد حداقل غیر انقلابی (نریه) محیط بسیار مساعدی را جهت فعالیت ضد انقلاب و رشد متان انحرافی و شرک آلود در صنایع نفت جنوب فراهم ساخته است. از سوی دیگر نریه که با تأی طبقه ای اش رقبایش را می شناسد، گفته است: "من احتیاط می کنم که داوطلبان احراز مقام مدیریت عامل شرکت نفت بی تاثیر در طرح این قبیل مسائل نباشند." که این داوطلبان کسانی جز مستضعفین "قشر ممتاز رهبری روحانی" نمی توانند باشند.

★ ★ ★

زمانی که مقاله فوق نوشته شده بود، خبر انتصاب معین فر، به سمت وزیر نفت اعلام گردید این انتصاب از یک طرف و تبدیل "شرکت ملی نفت ایران" و... به وزارتخانه از جانب دیگر حاوی نکات چندی است: برکناری نریه نشان داد که "قشر ممتاز رهبری روحانی" شواسته است یکی دیگر از لیبرالهای مذهبی (با کمترین مذهبی) از ماشین دولتی تصفیه کند و بجای آن یک بورژوازی مذهبی را که وحدت عمل بیشتری با وی دارد، بر سر کار آورد. اما در مقابل، بورژوازی زرنگتر از آن است که آوازی مناسب به نفع خود بگیرد. او با تبدیل این شرکت (و توابع) به وزارتخانه بکسر نظارت و کنترل دائمی خود را بر این منبع عظیم مالی تضمین کرده است، چرا که در حالت قبلی امکان سلطه روحانیست (مشروع و طلب) بر این مرکز اساسی درآمد بیشتر بود.

بدین ترتیب جدال دو جناح "روحانی" و "دولتی" با آوازی روپناشی بفتح "روحانیون" و امتیازی اساسی و در از مدتی بفتح دولست بورژوازی در این مرحله با پایان پذیرفت. اما آنچه در اینجا همچنان بجای مانده است و غیر بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱۲

تقسیم سود سهام ، نظر دولت را که با کارفرما در باره آن به توافق رسیده بود بدین صورت که ۱۲٪ سود بین سهامداران تقسیم شود ، ۲۶٪ صرف گسترش شرکت و ۶۰٪ دیگر دست نخورده باقی بماند ، اعلام داشت . شورا با این نظر مخالفت کرد و توسط نمایندگان گفت و شنود زمانی که کارفرما باقی مانده سود ویژه کارگران را که بالغ بر ۱۰ میلیون تومان می گردد ، نهمین ارد از تقسیم سود جلوگیری خواهد شد . در این موقع (ونیز قبیل از تشکیل این جلسه) شعار :

سهام مستکبرین ، بنفع مستضعفین
سهام بازاریان ، بنفع کارگران

را سر دادند . آقای فرح بخش در مقابل کارگران واکنش نشان داده و گفت که من نمی دانم که شما چقدر از کارفرما طلب دارید و غیره ... مسئله تقسیم سود سهام است و آنهم به توافق دولت و کارفرما تعیین شده و کارش تمام است . بنا بر این بهتر است در باره هیئت مدیره کارخانه صحبت کنیم . سخنان آقای فرح بخش با اعتراض کارگران مواجه می شود . نمایندگان کارگران می گویند تا تعیین تکلیف طلب ما از کارفرما ، از تقسیم سود جلوگیری خواهیم نمود . در مورد هیئت مدیره ما کاندیداهای خود را معرفی کردیم . نماینده دولت گفت که این درست نیست که کارگری که از مدیریت سر در نمی آورد ، از پای ماشین مثلا بخت ، بلند شود و در هیئت مدیره شرکت کند . و ترکیب هیئت مدیره را از نظر دولت چنین اعلام کرد : سه نفر از طرف کارفرما و دو نفر از طرف دولت . کارگران و نمایندگان نشان بخت با این نظر دولت مخالفت کردند . و تشجب می کردند که چطور نظر دولت در عرض یک روز تغییر کرده است ! البته بعداً متوجه شدند که صبح همان روز آقای کارفرما به سازمان گسترش صنایع رفته بوده است ، ولی این همه مسئله نیست . بلکه موضوع را باید در ماهیت دولت و رژیم حاکم جستجو کرد و اگر می بینیم که دولت از کارفرما پشتیبانی میکند نه مرفاً بخاطر مثلا اعمال نظر کارفرماست بلکه بخاطر ماهیت رژیمی است که مدافع سرمایه داران است و از همین رو هم سرمایه داران می توانند در چهارچوب این رژیم بنفع خود اعمال نظر کنند . بالاخره کارگران ان خواستهای خود را بدین شرح مطرح میکنند :

- ۱ - بقیه طلب سود ویژه تا قبیل از تقسیم سود سهام به کارگران پرداخت شود .
- ۲ - میزان سود سهام تا ۱۵۰ و با ۲۰۰ سهم که سهامداران جز هستند تعیین و پرداخت شود ، لیکن سود سهام داران عمده بماند .
- ۳ - سهام کسانی که کار نمی کنند ، مثل بازاریان ... به کارگران واگذار شود .
- ۴ - کارگران باید در هیئت مدیره افراد منتخب به ترکیب ۲ ، ۲ ، ۱۰ (۲ نفر از کارگران ، ۲ نفر از کارفرما و یک نفر از دولت) داشته باشند . چون این نظرات هیچیک مورد قبول طرف

مقابل (کارفرما و دولت) قرار نمیگیرد جلسه بی نتیجه خاتمه می پذیرد در حالیکه یک نفر از نمایندگان شورا در باره مدیریت اعلام کرد که اگر کارفرما با شرکت افسران منتخب ، موافقت نمیکند پس هیئت مدیره باید تحت نظر شورا باشد و شورا تحت نظارت کارگران . قرار شد شنبه مجدداً جلسه تشکیل شود تا در آن تصمیم گیری بعمل آید .

اعتصاب رفتگران امیدیه

روز یکشنبه ۵۸/۷/۲ منطقه نفتی امیدیه برای چندمین بار شاهد اعتصاب رفتگران بود . کارگران در اعتصابات مکرر خسود خواستار خلع بد از پیمانکار و رسمی شدن خود هستند . کارگران با اینکه چندین بار به اداره کارو کمیته رجوع کرده اند و تلگرافهایی هم به دفتر امام فرستاده اند ، ولی تاکنون کوچکترین نتیجه ای عایدشان نشده است . مقامات مربوطه هر بار که با اعتراض آنها روبرو می شوند با وعده و پسا دعوت به عبر انقلابی دست پریشان کرده اند لکن این بار کارگران تصمیم گرفته اند که تا انجام خواسته های شان مقاومت نمایند .

اصفهان

— در روزهای اول شهریور ، به کارگران کارخانه نساجی تاج اصفهان خبر می رسد که رئیس اداره کار اصفهان بنام موبدی (بنامی گفته چندتن از کارگران این شخص داماد آیت الله خادمی — یکی از سرشناسترین روحانیون اصفهان و نماینده این شهر در مجلس خبرگان — می باشد) گفته است که با اعاده شدن حقوق کارگران دیگر مزایایی از قبیل حق مسکن ، حق عائله ... پرداخت نمی گردد . بسیاری از کارگران که پس از افزایش ادعای دستمزد کارگران توسط رژیم ، به بهانه های مختلف حقشان اضافه نشده بود ، از عدم پرداخت مزایا ناراحت می شوند و بعنوان اعتراض طوماری امضا می کنند و طی آن خواستار برکناری موبدی میشوند . اعتراض کارگران موثر واقع می شود و پس از چند روز بخشنامه ای به امضای موبدی به کارخانه میرسد که در آن قید شده بود مزایا به کارگران تعلق میگیرد .

تبریز

کارگران ماشین سازی تبریز در تاریخ ۵۸/۷/۲ دسته به اعتصاب می زنند و ضمن تجمع در حیاط کارخانه خواسته های خود را اعلام می کنند .

برخی از خواسته های کارگران عبارت بود از :

- ۱ - تقلیل ساعت کار از ۴۸ ساعت به ۴۰ ساعت در هفته .
- ۲ - کارگرانی که در خانه های سازمانی نمی نشینند به آنها حق مسکن داده شود .

خبری از کارخانه صنعتی مهر

در کارخانه صنعتی مهر دربی اخراج عده ای از کارگران قدیمی در تاریخ ۵۸/۶/۱۱ از طرف کارگران شکایتی تنظیم می شود و بطور مخفی به امضا عده ای از کارگران می رسد پس این شکایت نامه به کمیته محل شورای همبستگی کارخانجات شرق تهران داده میشود . خواستهای برحق کارگران ، باز گرداندن کارگران اخراجی ، تنفیبه " سالاروند " مسئول کارگری که ساوکی و فاسد است و نیز تشکیل شورای کارگران بوده است . اقدام کارگران با واکنش کارفرما و ابعاد مواجه می شود که تهدید و تشویق کارگران و کوشش برای تفرقه در میان آنها جزئی از این واکنش بوده است . ولی کارگران از پای نمی نشینند و در روز ۵۸/۶/۱۲ موفق به تشکیل شورای خود میشوند ، ولی در مورد بازگشت کارگران اخراجی به نتیجه ای نمی رسند . و قضیه به کمیته مرکز ارجاع میشود . بدینال آن در روز یکشنبه درگیری ای بین کارفرما و نمایندگان شورا پدید می آید و کارفرما تهدید می کند که کارخانه را تعطیل می کند ، که با جواب یک پارچه کارگران روبرو می شود که " کارخانه را بزور باز می کنیم " .

بعد از ظهر همین روز نماینده کمیته مرکزی کارخانه می آید و ضمن مخالفت با بسته شدن کارخانه ، قول حل مسئله را می دهد ولی با قوت آیت الله طالقانی قضیه چند روزی دچار وقفه میشود و کارفرما از فرصت استفاده کرده و پرونده را از کمیته مرکز به کمیته صنفی امام (که در آنجا عوامی داشته) میبرد . نمایندگان این کمیته جلسه ای با نمایندگان شورا و کارفرما در تاریخ ۵۸/۶/۲۹ تشکیل میدهند و در آن جلسه کارفرما خواستار انحلال شورا و همچنین اخراج یکی از نمایندگان شورا میگردد که با مخالفت شدید نمایندگان شورا روبرو میشود حتی یکی از نمایندگان جلسه را ترک می کند . جلسه بدون نتیجه پایان می یابد و قرار می شود که نمایندگان کمیته تلفنی با شورا تماس گرفته و روزی را برای مذاکره و حل و فصل قضیه تعیین کنند . که البته تا کنون (یکشنبه ۵۸/۶/۳۱) خبری نشده است .

تهران

روز ۵۸/۶/۳۱ کارگران شرکت مپک جلوی وزارت کار اجتماع کرده و ضمن دادن شمار به نظرات می پردازند . کارگران خواهان رسیدگی به خواسته های شان بودند .

نان ،
مسکن ،
آزادی



جنبش کارگری

اخباری از:

مبارزه کارگران شرکت تکنوکار

تهران - چند روزی است که کارگران شرکت تکنوکار در محل شرکت متحصن شده - اند. آنها خواستار دولتی شدن کارخانه مذکور می باشند. به قسمتی از اعلامیه آنها که توسط خود کارگران در حالیکه لباس کار بتن داشتند، پخش میشدو با ارائه کسارت کارخانه تکنوکار از مردم دعوت میکردند به متحصنین بپیوندند، توجه کنید. آنها پس از اشاره به تاریخچه مبارزاتشان در کارخانه با کارفرما می نویسند:

"... کارفرما در نامه ای که به کارخانه فرستاده کارگران را تهدید به اخراج کرده و از آنها خواسته روزی ده نفر به حسابداری شرکت بیایند و سوبیه حساب کنند برادران کارگر، کارفرمای مزدور ما درحالیکه به خانواده اش درویلاهای آمریکا پیترا ریا بها نش مشغول خوشگذرانی است ما حتی گرانیه خانه و پول شهرکتک بچه نداریم. برادران کارگر ما هیچ چیز نداریم که از دست بدهیم. کارفرما تا بحال به ما برچسب زبانی زده است و ما از برچسب های کارفرما بی ترسی نداریم. بنابراین این ما کارگران تکنوکار خواستار دولتی شدن کارخانه هستیم."

اعلامیه مذکور با شعار "مرگ بر سرمایه داران وابسته" پایان می گیرد.

عده ای از کارگران
جنرال موتورز:

عده ای از کارگران جنرال موتورز طی اعلامیه ای که با تسلیم به زحمتکشان به مناسبت درگذشت آیت الله طالقانی آغاز شده است، در معرفی دشمنان طبقه کارگر می نویسند:

"اینها کسانی هستند که از سرمایه داران فراوی (امثال رفاهی ها، خیامی ها و...) برای سرمایه گذاری مجدد در ایران دعوت می کنند. (این دعوت توسط مولی ریشی با بانک مرکزی بعمل آمد.)"

اینها کسانی هستند که خواهان بوجود آوردن "نیروی ویژه" که همان "اداره حفاظت رژیم سابق است و فقط نامش عوض شده است. می باشند. رژیم گذشته برای سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران بوسیله ساواک اداره حفاظت را در کارخانه بوجود آورده بود. اداره حفاظت کارگران مبارز را

شنا سازی میکرد و به ساواک گزارش میداد. اکنون "نیروی ویژه"، همین کار را میکند و به کمیته ها گزارش میدهد و با مبارک ضد انقلابی و کمونیست او را اخراج و دستگیر میکنند.

اینها کسانی هستند که با زدن مبارک تجربه طلب به خلق کردستان، مبارزات حق طلبانه آنها را وحشیانه سرکوب میکنند. این بیشترین از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات جیره خوار که اخباری برای دواغ در باره کردستان منتشر میکنند، توده های ناآگاه مردم را که از واقعیت امر اطلاعی ندارند، فریب میدهند و آنها را برای برادر کتی بسوی کردستان بسیج میکنند آنها برای این سرکوب ۲/۵ میلیارد دلار قطعات بدکی و مهمات نظامی از آمریکا خریداری کرده اند. اینها "دولت موقت جمهوری اسلامی ایران" و قشری از روحانیون مرتجع هستند واقعا هم این کارها از طرف دولت موقت انتظار میرفت. دولت موقتی که ریاستش بازرگان، در اردیبهشت ۵۷ به "حضور ملوکانه" نامه می نویسد به شاه چنانکه از خطرات او بگریزند توده ها هشدار میدهد بازرگانی که فقط خواهان اجرای قانون اساسی بود و نه سرنگونی سلطنت."

اعتصاب در گشت و صنعت
کارون

بدنبال اخراج عده ای از کارکنان مبارز گشت و صنعت و کارون به بهانه مازاد بر احتیاج، کارگران و کارمندان شرکت در روزهای ۵۸/۶/۳۱ و ۵۸/۷/۱ به اعتصابی سر - خاسته و دسته راهپیمایی در محل شرکت زدند. این حرکت که ابتدا از قسمت انبارها شروع شده بود، بعداً قسمتهای دیگر را نیز در بر گرفت. تهدید و ارباب مدیران شرکت و کارکنانی که میته اسلامی نتوانست کارگران را که مصمم به اعتصاب بودند از تصمیمشان باز دارد.

با ساداران اعزامی از دزفول نیز که برای شکستن اعتصاب آمده بودند، نتوانستند در مقابل کارگران و کارمندان شرکت مقاومت نمایند. رئیس با ساداران پس از مذاکره با کارکنان اعتصابی تمهید گشایی داد که کلیه خواسته های اعتصابیون ۱۶ مهرماه برآورده گردد و کارگران نیز تا آن تاریخ سر کار خود حاضر شوند. مهمترین خواسته های کارکنان عبارت بود از:

- ۱ - اخراج مدیریت شرکت.
 - ۲ - تشکیل شورای کارکنان.
 - ۳ - بازگشت کارگران اخراجی به کار.
- مشروح این خبر در شماره آینده از نظران خواهد گذشت.

گزارشی از کارخانه
گروه صنعتی پارس (مینو)

صبح روز ۵۸/۶/۲۷ طی اعلامیه ای با طلاع عموم سها مداران جز و کل شرکت رسید که در جلسه بعد از ظهر برای بررسی سود و زیان سال گذشته و تقسیم آن شرکت نمایندگان افراد شورا و کارگران که غافلگیر شده بودند در مدد برآمدند که مانع از انجام این کار شوند، لذا به کارگران سها مدار و غیر سها مدار گفتند که در جلسه شرکت نمایند. این جلسه که با شرکت سها مداران و خودکارفرما حاج علی خسرو شاهی، و نماینده دولت از سازمان گسترش صنایع تشکیل شده بود سها مخترانی دو تن از نمایندگان شورا متشنج شد. شورا عمل کارفرما را که اولاً در آخرین مهلت تعیین شده از طرف دولت (گوبا) تمام کارخانه ها مکلف بوده اند که تا پایان شهریورماه بیلان خود را به دولت گزارش کنند، جلسه را تشکیل داده و تا نیا کارگران را در صبح آتروز از موضوع آگاه کرده، محکوم کرد. در پایان جلسه نماینده دولت بظا هربا کارگران همراهی کرده و قرار بر این شد که برای تعیین هیئت مدیره شرکت، دو نفر از طرف کارفرما، دو نفر از طرف کارگران و یک نفر از طرف سازمان گسترش صنایع انتخاب شوند. در روز ۶/۷/۲۸ شورا طی اعلامیه ای از کلیه کارگران کارخانه دعوت میکند در جلسه ای که به اتفاق کارفرما و نماینده دولت به منظور تقسیم مودسها که به اخیر ۱۲ میلیون تومان در سال ۵۷ میباشد و نیز تعیین هیئت مدیره کارخانه در ساعت ۱۴/۳۰ شرکت کنند.

کارگران محل جلسه را با دوشعار "هیئت مدیره تحت نظارت شورا و شورا تحت نظارت کارگران" و "تنها آنان که کار میکنند حق دارند سرشونت خود و کارخانه را بدهد بگیرند" آراستند و جلسه با سخنرانی نمایندگان شورا و با اعلام کاندیداهای منتخب شورا برای هیئت مدیره آغاز شد. در این جلسه، نماینده دولت، آقای فرح بخشی، کارفرما و سها مداران عده حضور داشتند. بعد از صحبت های کارگران، ابتدا آقای فرح بخشی در باره

بقیه در صفحه ۱۳

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر